



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



حضرت زهرا (س)

و امام مهدی علیه السلام

علی مصباحی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت زهرا (س) و امام مهدی (ع)

نویسنده:

علی مصلحی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیهاالسلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	حضرت زهرا (س) و امام مهدی (ع)
۸	مشخصات کتاب
۸	مقدمه
۸	حضرت مهدی فرزند حضرت فاطمه
۸	اشاره
۸	روایات خاصه
۸	روایات عامه
۹	مهدی در بیان حضرت زهرا
۹	مهدی در لوح و صحیفه فاطمه
۱۰	یاد مهدی تسلائی زهرا
۱۲	فاطمه الگوی مهدی
۱۲	فاطمه و مهدی در سوره قدر
۱۲	اشاره
۱۳	حضرت زهرا بقیه النبوه و حضرت مهدی بقیه الانبیاء و بقیه العتره والصفوه و سلاله النبوه و بقیه الله است
۱۵	حضرت زهرا سیده النساء و حضرت مهدی سید الخلق است
۱۵	حضرت زهرا طاهره و حضرت مهدی طاهر است
۱۶	حضرت زهرا مبارکه و حضرت مهدی مبارک است
۱۶	حضرت زهرا زکیه و حضرت مهدی زکی است
۱۶	حضرت زهرا طیبه و حضرت مهدی طیب است
۱۷	حضرت زهرا مطهره و حضرت مهدی مطهر است
۱۷	حضرت زهرا تقیه و حضرت مهدی تقی است
۱۷	حضرت زهرا نقیه و حضرت مهدی نقی است

- ۱۷ حضرت زهرا محدثه و حضرت مهدی محدث است
- ۱۸ حضرت زهرا و حضرت بقیه الله هر دو کوکب دری هستند
- ۱۹ حضرت زهرا منصوره و امام زمان منصور است
- ۲۰ حضرت زهرا صدیقه و حضرت مهدی صادق المقال است
- ۲۰ حضرت زهرا صابره و حضرت مهدی صابر است
- ۲۱ حضرت زهرا معصومه و امام زمان معصوم است
- ۲۱ حضرت زهرا مظهر آیه نور و حضرت مهدی نور آل محمد است
- ۲۱ حضرت زهرا و حضرت مهدی هر دو فریاد رس هستند
- ۲۳ حضرت زهرا منتظر و حضرت مهدی هم منتظر و هم منتظر است
- ۲۴ حضرت زهرا نور اهل آسمان و حضرت مهدی نور اهل زمین است
- ۲۵ حضرت زهرا خیره الاحرار و سیده النساء، مادر حضرت مهدی خیره الإمام و سیده الإمام است
- ۲۵ سخن گفتن حضرت زهرا و حضرت مهدی هر دو در شکم مادر
- ۲۵ حضرت زهرا و حضرت مهدی شفیع مؤمنان در قیامتند
- ۲۶ مظلومیت حضرت زهرا و حضرت مهدی
- ۲۷ علاقه پیامبر به حضرت زهرا و حضرت مهدی
- ۲۷ عنایت هر دو به زائران حسین
- ۲۸ بیعت کسی بر آن دو بزرگوار نیست و از کسی تقیه نمی کنند
- ۲۹ دوری هر دو از ستمگران
- ۳۰ آزادی از تعلقات دنیایی
- ۳۰ بندگی خداوند
- ۳۰ مبارزه با انحراف ها و بدعت ها
- ۳۰ غم خواری و توجه به امور مسلمانان به ویژه شیعیان
- ۳۱ ایثار و انفاق
- ۳۱ تلاش

۳۱ پاورقی

۳۸ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

حضرت زهرا (س) و امام مهدی (ع)

مشخصات کتاب

نویسنده: علی مصلحی

ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

مقدمه

مهدی (عج)، ادامه زهرا (س) و آینه تمام نمای اوست. اهداف مهدی (عج) اهداف فاطمه (س)، و راه او راه فاطمه، و سلوک او سلوک فاطمه است. فاطمه با نام مهدی شاد می شد و با یاد او خود را تسلیت می داد. بدون مهدی (عج)، تحمل شهادت حسین (ع) بر فاطمه سنگین می نمود. چون بی مژده ی او، رسالت پدرش و تمامی انبیاء سلف را ناتمام می یافت. مهدی باوری بی شناخت فاطمه میسور نیست. فاطمه به چنین فرزندی می بالد و مهدی نیز بر چنین مادری فخر می فروشد. مناسب است به نمونه هایی از این ارتباط و مشابهت ها در آیات و روایات و برخی تشرفات معتبر پردازیم:

حضرت مهدی فرزند حضرت فاطمه

اشاره

مهدی (عج) ادامه ی زهرا (س) فرزند فاطمه (س) است، به بعضی از روایات خاصه و عامه اشاره می کنیم. [۱].

روایات خاصه

الف) قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): المهدى من عترتى من ولد فاطمه يقاتل على سنتى كما قاتلت على الوحى [۲]. پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: مهدی (علیه السلام) از خانواده من و از فرزندان فاطمه (علیها السلام) است که بر اساس سنت من جنگ می کند؛ چنانکه من بر طبق وحی جنگ کردم. قابل توجه است که پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) در ابتدا به طور کلی می فرماید: مهدی از عترت من است؛ سپس با «من» دایره را تنگ می کند؛ که از فرزندان فاطمه (علیها السلام) است. ب) روایت دیگری که دلالت بر این مطلب می کند، قسمتی از حدیث لوح است؛ که خداوند فرمود: وَأَعْطَيْتُكَ يَا مُحَمَّدُ مَن أُخْرِجَ مِنْ صَ لِبِهِ (یعنی علیاً) احد عشر مهدياً؛ كُلُّهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنَ الْبِكْرِ الْبَتُولِ؛ آخر رَجُلٍ مِنْهُمْ اَنْجَى بِه مِنْ الْهَلِكَةِ... [۳]. ای محمد! به تو عطا کردم کسی را (علی) که یازده راهنما از نسل او خارج خواهد کرد؛ که همگی از نسل تو، از زهرا ی بتول است. آخرین آنها مردی است که به دست او از هلاکت نجات می بخشم... به همین دو روایت از روایات خاصه اکتفا می کنیم.

روایات عامه

الف) عن ام سلمه، قالت: سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) يقول: المهدى من عترتى من ولد فاطمه [۴]. ام سلمه می گوید: از پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) شنیدم که می فرمود: مهدی (علیه السلام) از خاندان من، از فرزندان فاطمه (علیها السلام) است. ب) عن الحسين (علیه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) لفاطمه: ابشرى يا فاطمه؛ فان المهدى منك [۵]. امام حسین (علیه السلام) می فرماید، که پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند به حضرت زهرا (علیها السلام): بشارت بر تو، که

مهدی از تو می باشد. ج) قتاده می گوید: از سعید پرسیدم: آیا مهدی حق است؟ گفت: بله او حق است. پرسیدم: از کدام طایفه و قبیله است؟ گفت: از قریش. پرسیدم: از کدام تیره ی قریشیان؟ جواب داد: از بنی هاشم. سؤال کردم: از کدام دسته هاشیمان؟ گفت: از فرزندان عبدالمطلب. پرسیدم: از کدام فرزند وی؟ جواب داد: از اولاد فاطمه (علیها السلام). [۶].

مهدی در بیان حضرت زهرا

محمود بن ولید می گوید: وقتی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از دنیا رفتند، کانت فاطمه (علیها السلام) تاتی قبور الشهداء و تاتی قبر حمزه و تبکی... قلت: یا سیده النسوان! قد والله قطعت نیاط قلبی من بکائک. فقالت: یا ابا عمرو! لحق لی البکاء؛ فلقد أصبت بخیر الابیاء رسول الله و اشوقاه الی رسول الله!... قلت: هل نص رسول الله قبل وفاته علی علی بالامامه؟ قالت: وا عجباً! انستیم یوم غدیر خم. قلت: قد کان ذلک؛ لکن اخبرینی بما اشیر الیک. قالت: اشهد الله تعالی لقد سمعته یقول علی خیر من أخلفه فیکم وهو الامام والخلیفه بعدی و سبطای و تسعه من صلب الحسین ائمه ابرار؛ لئن اتبعتموهم وجد تموهم هادین مهدیین؛ و لئن خالفتموهم لیکون الاختلاف فیکم الی یوم القیامه. قلت: یا سیدتی! فما باله قعد عن حقه. قالت: یا با عمرو! لقد قال (صلی الله علیه وآله وسلم): مثل الامام مثل الکعبه؛ اذ تؤتی ولاتاتی. ثم قالت: اما والله لو ترکوا الحق علی اهله و اتبعوا عتره نبیه لما اختلف فی الله اثنان و لورثها سلف عن سلف و خلف بعد خلف، حتی یقوم قائمنا التاسع من ولد الحسین... [۷]. راوی می گوید: بعد از وفات پیامبر حضرت فاطمه همیشه به زیارت قبور شهدای احد می آمد و کنار قبر حمزه گریه می کرد. روزی به او گفتم: ای سرور زنان! به خدا سوگند گریه شما رگهای قلب مرا پاره کرد. حضرت زهرا جواب فرمودند: ای ابو عمرو! سزاوار است که من گریه کنم؛ چرا که به مصیبت بهترین پدران مبتلا شده ام. آه، چقدر مشتاق رسول خدایم!... عرض کردم: آیا پیامبر قبل از وفاتش تصریحی به امامت حضرت علی (علیه السلام) کردند؟ فرمودند: چقدر عجیب است! آیا روز غدیر خم را فراموش کرده اید؟! عرض کردم: بله، روز غدیر بود؛ اما منتظر چیزی هستم که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به شما فرموده باشد. حضرت زهرا (علیها السلام) با چند تأکید فرمودند: خدا را شاهد می گیرم که از او (صلی الله علیه وآله وسلم) شنیدم، که می فرمود: علی (علیه السلام) بهترین کسی است که در بین شما به عنوان جانشین خود می گذارم؛ او امام و خلیفه بعد از من است و دو نوه ی من و نه نفر از فرزندان حسین (علیه السلام) پیشوایان نیکویی هستند، که اگر از آنها پیروی کنید، می یابید که آنها هدایت کننده هدایت شده اند؛ و اگر با آنها مخالفت کنید، تا روز قیامت در بین شما اختلاف خواهد بود. عرض کردم: ای سرور من! پس چرا علی (علیه السلام) از حق خود کناره گیری کرد؟ فرمودند: ای ابا عمرو! پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: مثل امام، مثل کعبه است؛ که باید به سوی او آیند و او به سوی مردم نمی رود. سپس حضرت زهرا (علیها السلام) فرمودند: به خدا قسم اگر حق را به اهلش واگذار می کردند و از خاندان پیامبر تبعیت می کردند، هیچ دو نفری هم با یکدیگر اختلاف نمی کردند و امر خلافت به تک تک جانشینان پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) می رسید؛ تا قائم ما، نهمین فرزند از حسین (علیه السلام)، قیام می نمود.

مهدی در لوح و صحیفه فاطمه

حدیث لوح و صحیفه، طولانی است و به چند نحو روایت شده است. [۸] در اینجا به قسمتهایی از آن اشاره می کنیم:... فقال جابر: اشهد بالله انی دخلت علی امیک فاطمه فی حیاة الرسول (صلی الله علیه وآله وسلم) اهتتها بولاده الحسین؛ فرایت فی یدها لوحا اخضر، ظننت انه زمرد؛ و رایت فیہ کتابا ابیض، شبه نور الشمس؛ فقلت لها: بایی و امی یا بنت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم)! ما هذا اللوح؟ فقالت: هذا اللوح اهداه الله جل جلاله الی رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم)؛ فیہ اسم ابی و اسم بعلی و اسم ابنتی و اسماء الاوصیاء من ولدی؛ فاعطانیه ابی لیبشرنی بذلک. قال جابر: فاعطتیه امک فاطمه، فقراته و انتسخته... بسم الله الرحمن الرحیم؛

هذا كتاب من الله العزيز (الحكيم) لمحمد نوره و سفيره و حجابہ... ائی لم ابعث نبیا فاکملت ایامه و انقضت مدته، الاجعلت له وصیاً؛ وانی فضلک علی الانبیاء و فضلت وصیک علی الاوصیاء و اکرمتک بشلیک بعده و سبطیک حسن و حسین؛ فجعلت حسنا معدن علمی بعد انقضاء مده ایبه و جعلت حسینا خازن وحی و اکرمته بالشهادہ... بعترته اثیب و اعاقب؛ او لهم (علی) سید العابدین و... و ابنه شیبہ جدہ المحمود محمد الباقر لعلمی... سیهلتک المرتابون فی جعفر... و انتجت بعده موسی... ان المکذّب بالثامن مکذّب بجمیع اولیائی... حق القول منی لاقرن عینه بمحمد ابنه و خلیفته من بعده... و اختم بالسعاده لابنه علی و لیه و ناصری... و اخرج منه الداعی الی سبیلی و الخازن لعلمی الحسن ثم اکمل ذلک بابنه رحمه للعالمین، علیه کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب [۹]. جابر بن عبدالله انصاری می گوید: خدا را گواه می گیرم که در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برای تهنیت ولادت امام حسین (علیه السلام) بر مادران حضرت فاطمه (علیها السلام) وارد شدم و در دست ایشان لوح سبز رنگی دیدم که پنداشتم از زمرد است. در آن نوشته ای سپید و نورانی، مانند نور خورشید، دیدم. گفتم: ای دختر رسول خدا! پدر و مادرم فدای شما باد! این لوح چیست؟ فرمود: این لوح را خداوند متعال به رسولش هدیه کرده است؛ و در آن اسم پدر و شوهر و دو فرزندم و اوصیای از فرزندانم ثبت شده؛ و پدرم آن را به من عطا فرموده، تا بدان مسرور گردم. جابر می گوید: آن را به من دادند و آن را خواندم و از روی آن استنساخ نمودم... «بسم الله الرحمن الرحیم؛ این کتابی است از جانب خدای عزیز حکیم برای محمد، نور و سفیر و حجاب او... من هیچ پیامبری را مبعوث نکردم، جز آنکه وقتی ایامش کامل و مدتش سپری شد، برای او وصی قرار دادم؛ و من تو را بر انبیا فضیلت دادم و وصی تو را افضل اوصیا قرار دادم و تو را به دو فرزند او و دو نوه ی تو، حسن و حسین، گرامی داشتم؛ حسن را پس از پدرش معدن علمم قرار دادم و حسین را خازن وحی خود ساختم و شهادت را به او کرامت کردم... به واسطه عترت او ثواب می دهم و عقاب می کنم. اولین عترت او، علی سرور عابدین و... و فرزند او که همانم جدش محمود است؛ یعنی محمد، که شکافنده ی علم من است... شک کنندگان در جعفر هلاک خواهند شد... بعد از او فرزندش موسی را برگزیدم... همانا تکذیب کننده امام هشتم، تکذیب کننده همه ی اولیاء من است... بر من فرض است که چشم او را به پسر و جانشینش محمد روشن سازم... و سعادت او را به واسطه فرزندش علی، که ولی و ناصر من است، ختم می کنم... از صلب او حسن را که داعی به راه من و خازن علم من است، بیرون می آورم؛ سپس به خاطر رحمت خود بر عالمیان، سلسله ی اوصیاء را به وجود فرزندش تکمیل خواهم کرد؛ کسی که کمال موسی، بهای عیسی و صبر ایوب را دارا می باشد.»

یاد مهدی تسلی زهرا

الف: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در بستر مرگ بودند که حضرت زهرا (علیها السلام) وارد شدند. حال پدر را که دیدند، شروع به گریه کردند. کم کم صدای زهرا (علیها السلام) بلند شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سرشان را بلند کردند و علت را سؤال نمودند. حضرت زهرا (علیها السلام) عرض کردند: از تباهی و ضایع شدن دین و عترت، بعد از شما می ترسم. اینجا بود که او را دلداری دادند به اینکه مهدی امت از نسل تو ظهور می کند و ریشه ضلالت و گمراهی را می کند. روایات بی شماری درباره ی این موضوع وارد آمده است [۱۰] که به عنوان نمونه به یکی از آنها به نقل از عامه اشاره می کنیم: علی بن هلال عن ایبه، قال: دخلت علی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) وهو فی الحاله التي قبض فیها، فاذاً فاطمه عند راسه؛ فبکت حتی ارتفع صوتها؛ فرفع رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) الیها راسه وقال: حیبتی فاطمه ما الذی یبکیک؟ فقالت: اخشی الضیعه من بعدک. فقال: یا حیبتی! اما علمت ان الله عزوجل اطع علی اهل الارض اطلاعه فاختر منها اباک فبعثه برسالته، ثم اطع اطلاعه فاختر منها بعلک و اوحی الی ان انکحک ایاه. یا فاطمه! و نحن اهل بیت قد اعطانا الله عزوجل سبع خصال لم یعط احداً قبلنا و لا یعطى احداً بعدنا: انا خاتم النبیین و اکرم النبیین علی الله عزوجل و احب المخلوقین الی الله عزوجل و انا ابوک؛ و وصی خیر الاوصیاء و احبهم الی الله

عزوجل، هو بعلک؛ و شهیدنا خیر الشهداء واحبهم الی الله عزوجل، و هو حمزه بن عبدالمطلب عم ابیک و عم بعلک؛ و منّا من له جناحان یطیر فی الجنه مع الملائکه حیث یشاء، و هو ابن عم ابیک و اخو بعلک؛ و سبطا هذه الامه، و هما ابناک الحسن و الحسین و هما سیدا شباب اهل الجنه و ابوهما (والذی بعثنی بالحق) خیر منهما. یا فاطمه! والذی بعثنی بالحق ان منهما مهدی هذه الامه. اذا صارت الدنیا هرجا و مرجا و تظاهرت الفتن و انقطعت السبل و اغار بعضهم علی بعض، فلا کبیر یرحم صغیرا و لا صغیر یوقر کبیراً؛ فبیعث الله عند ذلک منهما من ینفتح حصون الضلاله و قلوبها غلغلا [۱۱].

راوی می گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در بستر مرگ بود. فاطمه (علیها السلام) در کنار سر او مشغول گریه شد؛ ناگاه صدای ناله اش بلند شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سر خود را بلند کرد و فرمود: عزیزم فاطمه! چرا گریه می کنی؟ عرض کرد: پس از شما، از ضایع شدن و مورد ستم قرار گرفتن می ترسم. فرمود: محبوبه من! آیا نمی دانی که خداوند عزوجل نظری بر اهل زمین کرد، و مرا از میان آنها انتخاب نموده و مبعوث کرد؛ در مرتبه دوم که نظر کرد، از بین آنها شوهر تو را انتخاب کرد و به من وحی کرد که تو را به ازدواج او در آورم. ما اهل بیتی هستیم که خداوند هفت خصلت به ما داده، که به احدی قبل از ما و بعد از ما نداده: من خاتم پیامبران و کریمترین پیامبران و محبوبترین خلق نزد خداوند هستم، و من پدر تو هستم؛ و وصی من بهترین اوصیا و محبوبترین آنها نزد خداوند است، و او شوهر توست؛ و شهید ما بهترین شهدا و محبوبترین آنها نزد خداوند است، و آن حمزه عموی پدر و شوهر تو می باشد؛ و از ما کسی هست که صاحب دو بال است در بهشت که همراه ملائکه پرواز می کند، و او پسر عموی پدر و برادر شوهر تو می باشد؛ و از ما خاندان است دو سبط، این امت که آنها دو فرزند تو، حسن و حسین (علیهما السلام) هستند، که سرور جوانان بهشتند، و پدر آنها بهتر از آن دو می باشد. ای فاطمه! سوگند به کسی که مرا به رسالت مبعوث نمود، از آن دو، مهدی (علیه السلام) این امت می باشد. آن گاه که دنیا را هرج و مرج فرا گیرد و آشوب ها آشکار گردد؛ راه ها بسته شده و برخی، بعضی دیگر را به تاراج برند؛ نه بزرگی بر کوچکی رحم نماید و نه کوچکی احترام بزرگتر را رعایت کند؛ در آن هنگام خداوند متعال کسی را بر می انگیزد که دژها و قلعه های گمراهی و دلهای بسته شده را فتح می کند... ب: همزمان با تولد امام حسین (علیه السلام) به حضرت زهرا (علیها السلام) خبر داده می شود که حسینش را شهید خواهند کرد. حضرت زهرا (علیها السلام) ناراحت و گریان میشود اما خبر می آید که مهدی امت از ذریه او خواهد بود. در این رابطه، روایاتی است [۱۲] که دو نمونه از آنها ذکر می شود: عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: دخلت فاطمه (علیها السلام) علی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و عیناه تدمع؛ فسألته: مالک؟ فقال: انّ جبرئیل (علیه السلام) اخبرنی أنّ امتی تقتل حُسیناً؛ فَجَزَعَتْ وَ شَقَّ عَلِیْهَا؛ فاخبرها بمن یملک من ولدها؛ فطابت نفسُها و سکنت. [۱۳]. امام صادق (علیه السلام) فرمود: فاطمه (علیها السلام) وارد بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شدند؛ دیدند اشک از چشمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جاری است. سؤال کردند: علت گریه چیست؟ فرمودند: جبرئیل (علیه السلام) به من خبر داد که امت من حسین را می کشند. حضرت زهرا (علیها السلام) هم شروع به گریه و ناله کرده و این سخن بر او سخت آمد تا اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به او خبر دادند که یکی از فرزندان او سلطه پیدا می کند؛ پس او خوشحال و ساکت شد. در روایت دیگری، امام صادق (علیه السلام) می فرماید: ان جبرئیل (علیه السلام) نزل علی محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فقال یا محمد! ان الله یقرّو علیک السلام و یشرک بمولودی ولد من فاطمه (علیها السلام) تقتله امتک من بعدک.... و یشرک انه جاعل فی ذریته الامامه و الولایه والوصیه، ثم ارسل الی فاطمه (علیها السلام): ان الله یشرنی بمولود یولد منک تقتله امتی من بعدی... ان الله جاعل فی ذریته الامامه و الولایه والوصیه؛ [۱۴]. جبرئیل بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شد و عرض کرد: خداوند سلام به تو می رساند و بشارت می دهد تو را به فرزندی که از فاطمه (علیه السلام) متولد می شود؛ اما امت تو، بعد از تو، او را می کشند.... و به تو بشارت می دهد که در فرزندان او امامت، ولایت و وصایت را قرار می دهم. سپس کسی را فرستادند نزد حضرت فاطمه (علیها السلام) که: خداوند مرا بشارت داده به فرزندی که از تو متولد می شود، ولی امت من بعد از من او را می کشند؛... و خداوند در فرزندان او

امامت، ولایت و وصایت را قرار می دهد؛ ...

فاطمه الگوی مهدی

حضرت مهدی (علیه السلام) فرمود: ... فی ابنه رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) لی اسوه حسنه... [۱۵]. الگو سازی و شناساندن الگوی مناسب از جمله روشهای اسلام برای ارائه برنامه زندگی و ارشاد به کمالات و مقامات معنوی است، خداوند در قرآن در دو مورد الگو معرفی می کند: یکی در سوره احزاب، آیه ۲۱ «لقد كان لكم في رسول الله اسوه حسنه» و دیگری در سوره ممتحنه، آیه تا ۶ «قد كانت لكم اسوه حسنه في ابراهيم والذين معه... لقد كان فيهم اسوه حسنه...». در آیات بالا حضرت ابراهیم و رسول اکرم و کسانی که با ایشان هستند به عنوان الگو شناسانده شده اند. پس الگو منحصر به شخص پیامبر و ابراهیم (علیهما السلام) نیست؛ بلکه هر کس - به تمام معنا - در راه اینان باشد می تواند الگو واقع شود. پس اینکه امام زمان (علیه السلام) حضرت زهرا (علیها السلام) را الگوی خود قرار می دهد؛ [۱۶] از آن روست که حضرت زهرا (علیها السلام) جزو «والذین معه» [۱۷] است، و او کسی است که از هر جهت حتی در راه رفتن و سخن گفتن و در سیرت و صورت شبیه پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) است. دلیل این مطلب روایات متعددی است که عامه و خاصه نقل کرده اند؛ که در ذیل به عنوان نمونه، دو روایت ذکر می شود: الف: عن عائشه: ما رایت احدًا اشبه سمًا و دلاً و هدیًا و حدیثًا برسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فی قیامه و قعوده من فاطمه (علیها السلام). [۱۸]. شبیه تر از فاطمه به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) در راه رفتن، آرامش، وقار، سیرت، سخن گفتن، ایستادن و نشستن ندیدم. ب: روایاتی که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)؛ به حضرت زهرا (علیها السلام) فرمود؛ از جمله: ان الله یغضب لغضبک و یرضی لرضاک؛ من آذاها فقد آذانی و یرینی مارابها ویؤذینی ما آذاها. [۱۹]. او آئینه تمام نمای پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) است و درجه ی ایمان او به نهایت کمال رسیده است. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به سلمان فرمودند: یا سلمان! ابنتی فاطمه ملا الله قلبها و جوارحها ایماناً الی م شاشها، تفرغت لطاعه الله. [۲۰]. ای سلمان! خداوند قلب و اعضای فاطمه، تا سر نرمی استخوانهای او، را پر از ایمان نموده؛ که برای عبادت خداوند خود را از همه چیز فارغ می سازد.

فاطمه و مهدی در سوره قدر

اشاره

عن ابی عبدالله (علیه السلام) انه قال: انا انزلناه فی لیلہ القدر. لیلہ فاطمه والقدر الله؛ فمن عرف فاطمه حق معرفتها، فقد ادرك لیلہ القدر؛ و انما سمیت فاطمه، لان الخلق فطموا عن معرفتها [۲۱]. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «لیله» در «انا انزلناه فی لیلہ القدر»، فاطمه (علیها السلام) است؛ و قدر، خداوند. پس کسی که حضرت زهرا (علیها السلام) را آنگونه که سزاوار است بشناسد شب قدر را درک کرده است؛ و همانا او را فاطمه نامیدند، چرا که مردم نمی توانند او را بشناسند. در ادامه حدیث چنین آمده است او من معرفتها (الشک من ابی القاسم) یعنی راوی که روایت را نقل می کند، شک دارد که حضرت فرمودند «عن معرفتها» یا فرمود «من معرفتها» و قوله «و ما ادراك ما لیلہ القدر، لیلہ القدر خیر من الف شهر» یعنی خیر من الف مومن وهی ام المومنین «تنزل الملائکه والروح فیها» و الملائکه، المؤمنون الذین یملکون علم آل محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) والروح القدس هی فاطمه (علیها السلام) «باذن ربهم من کل امر، سلام هی حتی مطلع الفجر» یعنی حتی یخرج القائم (علیه السلام). [۲۲]. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «لیله القدر خیر من الف شهر» یعنی او بهتر از هزار مؤمن است؛ او مادر مؤمنین است، «تنزل الملائکه (ملائکه نازل می شوند)» مراد از ملائکه مؤمنان هستند، که علم آل محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را فرا می گیرند و مراد از «الروح

القدس»، فاطمه (علیها السلام) است و «حتی مطلع الفجر» یعنی تا زمانی که قائم (علیه السلام) ظهور کند. در کتاب تأویل الایات، شرف الدین نجفی روایت دیگری از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمودند: «لیله القدر خیر من الف شهر» یعنی فاطمه، فی قوله تعالی «تنزل الملائکه و الروح فیها»، و الملائکه فی هذا الموضع، المؤمنون الذین یملکون علم آل محمد (علیهم السلام) و «الروح»، روح القدس و هی فاطمه (علیها السلام) «من کل امر سلام»، یقول کل امر سلّمه «حتی یطلع الفجر» یعنی حتی یقوم القائم (علیه السلام). [۲۳]. «لیله» فاطمه است و «ملائکه» مؤمنین هستند، که علم آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) را فرا می گیرند و «روح»، روح قدس است، که فاطمه می باشد «من کل امر سلام» می گوید: هر امری که سالم قرار داده او را «حتی یطلع الفجر» یعنی تا قیام قائم (علیه السلام). خلقت هستی طفیل هست او چرخ می چرخد به میل دست اولیله القدر است و مخفی قدر او شرح ها دارد علوم صدر او [۲۴]. جا دارد که توضیح مختصری پیرامون تشبیه حضرت زهرا (علیها السلام) به لیله در این آیات شریفه بدهیم. این تشابه از جوهری است. ۱- مردم، منزلت، عظمت و جایگاه والای شب قدر را نشناخته اند، و قدر و منزلت حضرت زهرا (علیها السلام) هم در نزد مردم ناشناخته مانده است علاوه بر اینکه قبر او را هم کسی نمی داند. ۲- همان طور که در شب قدر تفریق بین امور می شود؛ همچنین به وسیله فاطمه (علیها السلام) بین حق و باطل و مؤمن و کافر فاصله می افتد. ۳- همان طور که شب قدر ظرف نزول آیات و سور است؛ حضرت زهرا (علیها السلام) هم ظرف امامت و مصحف است. ۴- شب قدر، معراج انبیا و اولیاست؛ همچنین ولایت حضرت زهرا (علیها السلام) مرقات وصول انبیاست به نبوت، رسالت و عظمت «ما تکاملت النبوه لنبی حتی اقر بفضلها و محبتها» ۵- شب قدر، منشأ فیوضات و کمالات است؛ همچنین توسل به حضرت زهرا (علیها السلام) وسیله خیرات و برکات و دفع بلیات است. ۶- شب قدر بهتر است از هزار شب؛ و حضرت زهرا (علیها السلام) بهترین زنان اولین و آخرین است؛ بلکه او بهترین اهل زمین است از جهت عنصر و شرف و کرم. هی مشکاه نور الله جل جلاله زیتونه عمّ الوری بر کاتها [۲۵]. برای تأیید بعضی از وجوه فوق، روایت مفصل و زیبایی را مرحوم کلینی نقل می کند؛ که به اختصار ذکر می کنیم: مرد نصرانی طالب حقیقت، خدمت امام موسی بن جعفر (علیه السلام) رسید و مطالبی را سؤال نمود. یکی از آن مطالب این بود که: اخبرنی عن کتاب الذی انزل علی محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و نطق به، ثم وصفه بما وصفه به. فقال: «حم، و الکتاب المبین، انا انزلناه فی لیله مبارکه انا کنا منذرین، فیها یفرق کل امر حکیم» [۲۶] ما تفسیرها فی الباطن؟ فقال: اما «حم» فهو محمد، صلی الله علیه وآله وسلم، و هو فی کتاب هود الذی انزل علیه، و هو منقوص الحروف؛ و اما «الکتاب المبین» فهو امیر المؤمنین علی (علیه السلام)؛ و اما «اللیله» ففاطمه (علیها السلام) «فیها یفرق کل امر حکیم» یقول یخرج منها خیر کثیر فرجل حکیم فرجل حکیم... [۲۷]. به حضرت عرض کرد: به من خبر بده از کتابی که بر محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) فرود آمده و به آن گویا گشته و آن را به صفاتی موصوف نمود و در حقیقت گفته است «حم؛ سوگند به کتاب روشن و آشکار؛ به درستی که ما آن را در شب مبارکی فرود فرستادیم، به درستی که ما بیم دهنده ایم؛ در آن شب جدا شود هر امر محکمی» تفسیر آن در باطن و حقیقت چیست؟ حضرت فرمودند: اما «حم» همان محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) است که در کتاب هود پیامبر با حروف ناقصه آمده است (میم اول و دال آخرش حذف شده)؛ و اما «کتاب مبین» همان امیر المؤمنین علی (علیه السلام) است؛ و اما مقصود از «لیله» و شب همانا فاطمه (علیها السلام) می باشد؛ و اما اینکه فرموده «در آن جدا می شود هر امر محکمی» یعنی بر آید از فاطمه (علیها السلام) خیر بسیار و فراوان، مردی حکیم، سپس مردی حکیم، سپس مردی حکیم [۲۸]. شباهتهای حضرت زهرا (علیها السلام) و حضرت مهدی (علیه السلام) بین این دو بزرگوار شباهتهایی در اسمها و صفات وجود دارد؛ که در ذیل به بیست و پنج مورد از آن اشاره می شود.

حضرت زهرا بقیه النبوه و حضرت مهدی بقیه الانبیاء و بقیه العتره و الصفوه و سلاله النبوه و بقیه الله است

الف: حضرت زهرا باقیمانده و ادامه ی نبوت است. حضرت زهرا (علیها السلام) پس از خواندن خطبه ی فدکیه و بازگشت به خانه،

سخنانی گفتند. حضرت علی (علیه السلام) ایشان را، با این لقب مورد خطاب قرار دادند: یا ابنه الصفوه وبقیه النبوه. [۲۹]. ب: حضرت مهدی (عج) باقیمانده و ادامه همه انبیای الهی حضرت حکیمه خاتون در ضمن نقل حدیث شب تولد امام زمان (علیه السلام) می گوید: او را خدمت امام عسکری (علیه السلام) آورد؛ پس... فرمود: «سخن بگو ای حجه الله وبقیه الانبیاء و نورالاصفیاء و غوث الفقراء و خاتم الاوصیاء و نور الاتقیاء...؛ پس او (عج) فرمود: اشهد ان لا اله الا الله و...» [۳۰]. پس می بینیم که امام عسکری (علیه السلام) او را با لقب «بقیه الانبیاء» باقیمانده انبیاء خطاب کرد. ج: حضرت مهدی (عج) باقیمانده برگزیدگان و عترت پیامبر است. در استغاثه به حضرت مهدی (عج)، بعد از خواندن دو رکعت نماز می گوئیم: سلام الله الکامل التام الشامل العام... علی... سلاله النبوه وبقیه العتره والصفوه صاحب الزمان. [۳۱]. پس درود خدا را بر کسی که باقیمانده عترت و صفوت است، می فرستیم. د: حضرت مهدی (عج) سلاله النبوه است. ملاحظه کردید که در دعای پیشین، بعد از استغاثه به حضرت مهدی (عج)، درود خدا را بر کسی که سلاله نبوت است، می فرستیم. ه: حضرت مهدی (عج) بقیه الله است. روایات زیادی داریم که امام زمان (علیه السلام) بقیه الله است. در ذیل به برخی از آنها اشاره می کنیم: ۱. عمران بن داهر می گوید: مردی به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد: لنسلم علی القائم بامر المؤمنین؟ قال: لا، ذلک اسم سماه الله امیر المؤمنین، لایسمی به احد قبله و لابعده الا کافر. قال: فکیف نسلم علیه؟ قال: تقول السلام علیک یا بقیه الله. ثم قرا (علیه السلام) «بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین». [۳۲] و [۳۳]. سؤال شد: آیا می توانیم به حضرت قائم (عج) به عنوان امیر المؤمنین درود بفرستیم و بگوئیم «السلام علیک یا امیر المؤمنین» حضرت فرمود: خیر، آن اسم خاص امیر مؤمنان علی (علیه السلام) است؛ که خداوند او را به این نام نامیده است. هرگز کسی را جز او نتوان به این نام نامید. هر کس به این نام نامیده شود؛ چه قبل از امیر المؤمنین علی (علیه السلام) باشد، چه بعدش، کافر است. عرض نمود: پس چگونه بر او (عج) سلام کنیم؟ فرمود: بگو «السلام علیک یا بقیه الله»، سلام بر تو ای باقیمانده خدا. سپس امام صادق (علیه السلام) آیه ۸۶ سوره هود را تلاوت فرمود که: «باقیمانده الهی بهتر است برای شما، اگر مؤمن باشید». ۲. احمد بن اسحاق، که از شخصیت‌های معروف قم و وکیل امام عسکری (علیه السلام) بوده، می گوید: خدمت امام عسکری (علیه السلام) رفتم؛ تا از جانشین او و امام بعد از او سؤال کنم. قبل از آنکه من سؤال کنم، امام (علیه السلام) فرمود: ای احمد بن اسحاق! خدای تبارک و تعالی از روزی که آدم را آفرید، تا روزی که قیامت به پا شود، زمین را خالی از حجت نگذاشته و نمی گذارد؛ بلکه همواره حجت خدا در روی زمین خواهد بود؛ که خداوند به وسیله او بلاها را از زمینیان دفع می کند و به برکت او باران می فرستد و به خاطر او برکات زمین را خارج می نماید. گفتم: پس امام بعد از شما کیست؟ (امام بدون اینکه جوابی بدهد) با شتاب از جای برخاسته و داخل اطاقی شدند؛ در هنگام بیرون آمدن کودکی را بر دوش خود آورد، که صورتش چون ماه شب چهارده بود و تقریباً سه ساله بود؛ آنگاه خطاب به من فرمود: اگر منزلت تو در پیش حضرت احدیت و حجت‌های پروردگار نبود، پسر من را به تو نشان نمی دادم. عرضه داشتم: آیا علامتی هست که من بیشتر مطمئن شوم و دلم آرامش پذیرد؟ پس ناگهان حجت خدا با زبان فصیح و آشکار فرمود: انا بقیه الله فی ارضه والمنتقم من اعدائه و لا تطلب اثرا بعد عین یا احمد بن اسحاق... [۳۴]. (من تنها بازمانده خدا در زمین هستم؛ از دشمنان خدا انتقام می گیرم. و ای احمد بن اسحاق! پس از دیدن، دیگر نشانه نپرس). ۳. از امام صادق (علیه السلام) نقل می کنند، که حضرت در ترسیم روز پر شکوه ظهور می فرماید: اول ما ینطق به هذه الایه: «بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین» ثم یقول: انا بقیه الله و حجتی و خلیفتم علیکم؛ فلا یسلم علیک مسلم، الا- قال: السلام علیک یا بقیه الله فی ارضه. [۳۵]. امام زمان (علیه السلام) نخستین چیزی که به زبان می آورد، این آیه شریفه است «باقیمانده الهی برای شما بهتر است، اگر مؤمن هستید» سپس می فرماید: بقیه الله من هستم؛ من حجت الهی و خلیفه الهی بر شما هستم. پس هیچ مسلمانی در روی زمین بر او سلام نمی کند، مگر به این عبارت که: سلام بر شما ای بقیه الله در زمین الهی. ۴. امام هادی (علیه السلام) در ضمن بیان اوصاف امام مهدی (عج) می فرماید: هو الذی یجمع الکلم و یتئم النعم و یحق الله به الحق و یزهد الباطل و هو مهديکم و المنتظر ثم قرا «بقیه الله خیر لکم» و قال:

هو والله بقیه الله. [۳۶]. او کسی است که وحدت کلمه ایجاد می کند و نعمتها را کامل می سازد. خداوند حق را به دست او تحقق می بخشد و باطل را نابود می سازد. او مهدی منتظر شماس است. آنگاه این آیه را تلاوت کرد: «بقیه الله خیر لکم» سپس فرمود: به خدا سوگند بقیه الله (تنها بازمانده از حجت‌های الهی) اوست.

حضرت زهرا سیده النساء و حضرت مهدی سید الخلق است

الف) حضرت زهرا سرور زنان است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در موارد متعددی به دختر گرامی خود این لقب را داده اند؛ ابن عباس نقل می کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: و امّا ابنتی فاطمه فانها سیده نساء العالمین من الاولین والآخرین. [۳۷]. اما دخترم فاطمه، سرور زنان عالم از اولین و آخرین می باشد. حضرت مهدی (عج) سید الخلق است. این لقب را حضرت رضا (علیه السلام) به فرزند گرامیش حضرت مهدی (علیه السلام) داده اند. عن الحسن بن شاذان الواسطی قال: کتبت الی ابی الحسن الرضا (علیه السلام): اشکو جفاً اهل واسط و حملهم علیّ، و کانت عصابه من العثمانيه توذیننی؛ فوقع بخطه: ان الله تبارک و تعالی اخذ میثاق اولیائنا علی الصبر فی دوله الباطل؛ فاصبر لحکم ربک. فلو قد قام سید الخلق لقالوا: «یا ویلنا من بعثنا من مرقدا هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون». [۳۸] و [۳۹]. حسن بن شاذان می گوید: نامه ای نوشتم خدمت امام رضا (علیه السلام) و از جفا و یورش و اذیت اهل واسط، که جمعی از عثمانیان بودند، بر خود شکایت کردم. حضرت به خط مبارک جواب فرمودند: خداوند از دوستان ما پیمان گرفته که در دولت باطل صبر کنند؛ تو هم صبر کن (نگران نباش). وقتی که سید الخلق قیام کند، دشمنان می خوانند: «وای بر ما! چه کسی ما را از قبورمان مبعوث کرده؟ این همان است که خداوند وعده داده بود؛ و فرستادگان الهی راست می گفتند.» مرحوم علامه مجلسی می گوید: مراد از سید الخلق، قائم (علیه السلام) است. پس دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) در آن زمان رجعت می کنند و مؤمنان از آنها انتقام می گیرند. پس دشمنان می گویند: «یا ویلنا...» [۴۰].

حضرت زهرا طاهره و حضرت مهدی طاهر است

الف) حضرت زهرا (علیها السلام) طاهره است. این مطلب هم از آیه تطهیر استفاده می شود و هم می بینیم پیامبر آن حضرت را به این لقب نامیدند. اسماء بنت عمیس می گوید: قال النبی (صلی الله علیه و آله وسلم): اما علمت ان ابنتی طاهره مطهره... [۴۱]. پس پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: آیا نمی دانی که دخترم پاک و پاکیزه است؛ آیه تطهیر هم دلیل دیگری بر پاک بودن حضرت از رجس و پلیدیها است. «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا». [۴۲]. خداوند اراده کرده که ناپاکی را از شما اهل بیت دور کند و شما را پاک قرار بدهد. «این آیه به اجماع خاصه و عامه در شأن پنج تن آل عبا است. [۴۳]

ب: حضرت مهدی (عج) طاهر است. این لقب را پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به امام زمان (علیه السلام) داده اند؛ در ضمن حدیثی که فرمود: ان الله عزوجل ركب فی ص لب الحسن (ای العسکری) (علیه السلام) ن طفه مبارکه زکیه طاهره مطهره؛ یرضی بها کل مؤ من اخذ الله میثاقه بالولایه و یکف ر بها کل جاحد؛ فهو امام تقی نقی هادی مهدی... [۴۴]. خداوند در صلب امام حسن (عسکری) (علیه السلام) نطفه ای مبارک، پاک و پاکیزه تعبیه نمود؛ که هر مؤ منی که خداوند از او پیمان ولایت گرفته، از او خشنود می شود و هر منکری به او کفر می ورزد. او پیشوای پارسا، پاکیزه، هادی و مهدی است. در روایت دیگری امام صادق (علیه السلام) فرمودند: اذا کان ذلک فکونوا اجلاس بیوتکم حتی یظهر الطاهر بن المطهر ذوالغیبه... [۴۵]. وقتی آخر الزمان شد و فتنه ها به وجود آمد، شما گلیم خانه ی خود باشید؛ تا خداوند امام پاکیزه و پسر پاکیزه را ظاهر کند. و در دعایی که دستور داده اند در زمان غیبت بخوانیم، دارد... و زد فی کرامتک له فانه الهادی... الطاهر التقی النقی الزکی الرضی المرضی الصابر المجتهد الشکور... [۴۶]. عرض می کنیم: خدایا! بر لطف و کرامت نسبت به او بیفز؛ که اوست هادی... پاک، با تقوا پاکیزه، منزّه، صاحب

مقام رضا و خشنودی خدا، صبر کننده، سپاسگزار و...

حضرت زهرا مبارکه و حضرت مهدی مبارک است

الف) حضرت زهرا (علیها السلام) مبارکه است. مبارک از برکت گرفته شده؛ به معنای رشد و زیاده. مبارک یعنی آنچه که از او خیر زیاد بیاید. [۴۷]. به حضرت زهرا (علیها السلام) از این جهت مبارک می گویند که او کوثر، «انا اعطیناک الکوثر» است؛ همان طور که فخر رازی در تفسیر خود گفته: مراد صدیقه طاهره، فاطمه زهرا (علیها السلام) است. [۴۸] و صاحب مجمع البیان می گوید: کوثر، زیادی نسل و فرزند است؛ که از فاطمه زهرا (علیها السلام) و اولاد وی، نسل رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آنچنان فراوان شد، که نتوان شماره کرد. مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: مراد از کوثری که خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عطا فرمود، فقط کثرت ذریه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد، یا مراد، خیر کثیر است، و کثرت ذریه، مراد می باشد، در ضمن خیر کثیر؛ و اگر غیر از این، معنا کنیم، محقق کردن و محکم کردن کلام به واسطه آیه «ان شائک هو الابر» خالی از فایده می شود. [۴۹] و [۵۰]. ب) حضرت مهدی (عج) مبارک است. در ضمن لقبهایی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای آن حضرت شمرند، همین لقب مبارک است. [۵۱]. وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در بیاناتی آخر الزمان را ترسیم می کنند، می فرماید: ولا یزال ذلک البلاد علی اهل ذلک الزمان، حتی اذا یسوا و قنطوا و اسأوا و الظن الّا یفرّج عنهم؛ اذ بعث الله رجلا من اطایب عترتی و ابرار ذرّیتی عدلاً مبارکاً زکیا. [۵۲]. این گرفتاری با مردم آن زمان خواهد بود؛ تا هنگامی که مایوس و نا امید شوند و تصور کنند که دیگر خداوند از آنها رفع گرفتاری نخواهد فرمود؛ آنگاه خداوند مردی را از بهترین فرزندان و پاکترین عترت من بر می انگیزد؛ که سرا پا عدل و برکت و پاکی است.

حضرت زهرا زکیه و حضرت مهدی زکی است

«زکوه» به معنای نمو و زیادتی [۵۳] یا به معنای پاکیزه از خباثت نفس، کینه، بخل، حسد و هرگونه پلیدی و کثافت ظاهری و باطنی است. [۵۴]. الف) حضرت زهرا (س) زکیه است. در ذیل کلمه «مبارکه» از آن سخن گفتیم. ب) حضرت مهدی زکی است. از جمله القابی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به حضرت مهدی (علیه السلام) داده اند، زکی است؛ که روایات آن را در ذیل شباهتهای ۳ و ۴ ذکر نمودیم. همچنین امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در ضمن نامه ای به معاویه این لقب را به حضرت مهدی (علیه السلام) داده اند... و ان رج لا من و لدک، مشوم ملعون... و یعرب منهم رجلاً من ولدی زکی نقی الذی یملا الارض قسطاً و عدلاً. [۵۵]. مردی از نسل تو که شوم و ملعون است... سپاهی به سوی مدینه می فرستد... و مردی پاک و پاکیزه از نسل من، از میان آنها می گریزد و زمین را پر از عدل و داد می نماید.

حضرت زهرا طیبه و حضرت مهدی طیب است

الف) حضرت زهرا (س) طیبه است. مرحوم سیدبن طاووس بعد از نقل روایت فضیلت اهدای نماز به معصومین (علیهم السلام) می فرماید: بعد از نماز هدیه به هر یک از معصومین این دعا را بخواند...، دعایی که بعد از خواندن نماز هدیه به حضرت زهرا (علیها السلام) می فرماید، این است که بگوید: اللهم ان هاتین الرکعتین هدیه منی الی الطاهره المطهره الطیبه الزکیه فاطمه اللهم... و اثنی علیهما افضل املی و رجایی فیک و فی نییک (صلوات الله علیه و آله) و وصی نییک و الطیبه الطاهره فاطمه... [۵۶]. ب) حضرت مهدی (عج) طیب است. روایات آن در ذیل شباهتهای سوم و چهارم آمده است.

حضرت زهرا مطهره و حضرت مهدی مطهر است

روایاتی که دلالت بر این مطلب می کند در ذیل شباهت سوّم آمده است.

حضرت زهرا تقیه و حضرت مهدی تقی است

الف) حضرت زهرا (س) تقیه است. حضرت زهرا (علیها السّلام) در اوج قله تقوا می باشد. در زیارت حضرتش می خوانیم: السلام علیک ایها التقیّه النقیّه [۵۷] سلام بر تو ای ذات متقی پاک. یا می خوانیم: اللهم صل علی محمد و اهل بینه وصل علی البتول الطاهره الصدیقه المعصومه التقیّه النقیّه الرضیه المرضیه الزکیه الرشیده المظلومه المقهوره. [۵۸]. ب) حضرت مهدی (عج) تقی است. در ذیل شباهت سوّم، روایتی که دلالت بر این مطلب می کند، ذکر شد.

حضرت زهرا نقیه و حضرت مهدی نقی است

روایاتی که دلالت بر این مطلب می کند در ذیل شباهتهای ۳ و ۵ و ۸ ذکر شده.

حضرت زهرا محدثه و حضرت مهدی محدث است

الف) حضرت زهرا (س) محدثه است. بیش از ده روایت داریم که دلالت دارند ملائکه بر حضرت زهرا (علیها السّلام) فرود آمده و با ایشان سخن می گفتند؛ از این روی به او محدثه گفتند. در اینجا به بعضی از آن روایات اشاره می کنیم: از امام صادق (علیه السّلام) پیرامون مصحف فاطمه (علیها السّلام) سؤال کردند. امام پس از سکوتی طولانی فرمود: انک ملتبّحونّ عما تریدون و عما لاتریدون. ان فاطمه مکثت بعد رسول الله (صلی الله علیه وآله سلّم) خمس و سبعین يوماً و کان دخلها حزن شدید علی ابیها؛ و کان جبرئیل یأتیها فیحسّن عزاها علی ابیها و یطیب نفسها و یخبرها عن ابیه و مکانه و یخبرها بما یكون بعدها، و کان علی (علیه السّلام) یکتب ذلک؛ فهذا مصحف فاطمه. [۵۹]. شما از هر چیزی سؤال می کنید. زهرا (علیها السلام) بعد از پیامبر (صلی الله علیه وآله سلّم) هفتاد و پنج روز بیشتر زنده نبود؛ و به سبب فقدان پدر، بسیار محزون بود؛ از این رو همیشه جبرئیل به نزد او می آمد و علاوه بر اینکه او را تسلیت می گفت و تسلائی او بود، او را از جایگاه او و اخبار آینده آگاه می کرد و حضرت علی (علیه السلام) همانها را می نوشت. این نوشته ها، مصحف فاطمه (علیها السلام) است. [۶۰]. امام صادق (علیه السلام) همچنین فرمودند: انما سمیت فاطمه محدثه لان الملائکه کانت تهبط من السماء فتنادیها کما تنادی مریم بنت عمران؛ فتقول الملائکه یا فاطمه! ان الله اصطفاک و طهرک علی نساء العالمین. [۶۱]. همانا فاطمه را محدثه نامیدند، چون که همیشه ملائکه از آسمان بر او هبوط می کردند؛ پس همان گونه که حضرت مریم (علیها السلام) را مورد ندا قرار دادند، او را هم مورد خطاب قرار دادند و گفتند: ای فاطمه! خداوند تو را بر تمام زنان عالم برگزید و تو را پاکیزه قرار داد. ب: حضرت مهدی (عج) محدث است. در این زمینه دو دسته روایات داریم. یک دسته از آنها به طور عموم دلالت می کند که کل ائمه (علیهم السلام) محدث هستند و دسته دیگر روایاتی است که دلالت می کند حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) محدث است. روایات عام: - قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلّم): من و لدی اثنا عشر نقیباً، ن جباء م حیدّ ثون م فمهمون آخره م القائم بالحق [۶۲]. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلّم) فرمودند: دوازده نقیب از اولاد من هستند که همه شان نجیب، محدث، آموزش یافته و صاحب فهم هستند؛ که آخرین آنها قائم به حق است. - قال الباقر (علیه السّلام) منّا اثنا عشر م حدّ ثا، السابع منو لدی القائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) [۶۳] دوازده محدث از ماست؛ که هفتمین فرزند من همان قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. - امام جواد (علیه السّلام) از امیر مؤمنان علی (علیه السّلام) نقل می کنند، که

حضرتش به ابن عباس فرمود: انَّ ليله القدر في كل سنة و انَّه ينزل في تلك الليله امر السنه و لذلك الامر و لاه بعد رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم). فقال ابن عباس: من هم؟ قال أنا و احد عشر من صلبى ائمه محدثون. [۶۴]. حضرت علی (علیه السلام) به ابن عباس فرمودند: شب قدر در هر سال هست (منحصر به زمان حیات پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) نبوده) و در آن شب امور سال نازل می شود؛ و برای این برنامه، والیانی بعد از رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وجود دارد. ابن عباس عرض کرد: آنها چه کسانی هستند؟ حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: من و یازده فرزند من، که همه پیشوا و محدث هستند. - در روایتی امام صادق (علیه السلام) تفسیر آیه «تنزل الملائکه و الروح فيها...» [۶۵] را این گونه بیان می فرمایند: آی من عند ربهم علی محمد و آل محمد بکل امر سلام. [۶۶]. یعنی ملائکه و روح از جانب خداوند بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) نازل می شوند. - از امام باقر (علیه السلام) سؤال شد: آیا شما شب قدر را می شناسید؟ فقال و کیف لانعرف و الملائکه يطوفون بنا فيها. [۶۷] چگونه شب قدر را نشناسیم؛ در حالی که ملائکه در آن شب در اطراف ما طواف می کنند. ملائکه و اعظم ملائکه که روح است، در اطراف آنها چرخ می زنند و بر آنها نازل می شوند و با آنها سخن می گویند. روایات خاص: - امام رضا (علیه السلام) ضمن بر شمردن صفات امام زمان (علیه السلام) می فرماید: يكون اعلم الناس و احکم الناس و اتقى الناس و احلم الناس و اسخى الناس و اعبد الناس... و یری من خلفه كما یری من بین یدیه و لا یكون له ظل... و تنام عیناه و لاینام قلبه و یكون محدثاً. [۶۸]. او داناترین مردمان، حکیم ترین، پرهیزکارترین، بردبارترین، بخشنده ترین و عابدترین مردم است؛ که پشت سر را می بیند، همان گونه که پیش رو را می بیند؛ سایه ندارد؛ دیدگانش در خواب فرو می رود، ولی دلش همیشه بیدار است و فرشتگان با او سخن می گویند. - یا امام جواد (علیه السلام) در ضمن بیان سیر آن حضرت می فرماید: ثم یدخل الکوفه فیقتل مقاتلیها، حتی یرضی الله عزوجل... ثم قلت: و ما یدریه، جعلت فداک منی یرضی الله عزوجل؟ قال: یا ابا الجارود! ان الله اوحى الی ام موسی و هو خیر من ام موسی و اوحى الله الی النحل و هو خیر من النحل. [۶۹]. او وارد کوفه می شود و جنگ کنندگان را می کشد، تا خداوند راضی شود...، عرض کردم: چگونه متوجه می شود که خداوند راضی شده؟ حضرت فرمود: خداوند به مادر موسی [۷۰] وحی کرد؛ و البته مهدی (علیه السلام) بهتر از مادر موسی است و خداوند به زنبور عسل وحی کرد [۷۱] و البته او بهتر از زنبور عسل است. حضرت با استشهاد به دو آیه از قرآن می خواهند بفرمایند که خداوند به او وحی می کند. البته همان طوری که در آن دو آیه، مراد از وحی، وحی مصطلح (نزول جبرئیل، همراه با ادعای نبوت) نیست؛ مراد از وحی به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم وحی مصطلح نیست.

حضرت زهرا و حضرت بقیه الله هر دو کوكب دري هستند

الف) حضرت زهرا (س) ستاره درخشان است. ابی هاشم عسکری از امام عسکری (علیه السلام) سؤال می کند: لم سمیت فاطمه الزهراء؟ فقال: کان وجهها یزهر لامیر المؤمنین (علیه السلام) من اول النهار کالشمس الضاحیه و عند الزوال کالقمر المنیر و عند غروب الشمس کالکوکب الدری. [۷۲]. حضرت در جواب این سؤال که چرا حضرت فاطمه (علیها السلام) را زهرا نامیدند، فرمودند: صورت او برای امیرمؤمنان (علیه السلام) نور افشانی می کرد؛ در اول روز، مثل خورشید تابان، و هنگام ظهر، مثل ماه منیر و در وقت غروب خورشید، مثل کوكب دري و ستاره درخشان. حضرت زهرا (علیها السلام) در حدیث مفاخره - حدیثی که در آن حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه زهرا (علیها السلام) هر کدام فضائل خود را بر می شمردند - خود را به عنوان کوكب دري معرفی می کنند. قال علی (علیه السلام): انا الامین الاصلع. قالت فاطمه: انا الکوکب الذی یلمع... [۷۳] حضرت علی (علیه السلام) فرمود: من امین اصلع هستم. حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمودند: من ستاره ای هستم که می درخشد. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «کأنها کوكب دري» (در آیه ۳۵ سوره نور) کأن فاطمه (علیها السلام) کوكب دري بین نساء اهل الارض (اهل الدنيا). [۷۴]. گویا فاطمه (علیها السلام) همانند ستاره درخشان بین زنان اهل زمین (اهل دنیا) است. ب) حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ستاره

درخشان است. قال رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): المهدى رجلٌ من و لى؛ وجهه كالقوكب الدرى. [۷۵]. پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: مهدى مردى از فرزندان من است، كه صورتش مثل ستاره درخشان است. پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) در ضمن بیان مشاهدات خود در معراج مى فرماید: خداوند انوار ائمه اثنى عشر را به من نشان داد و فرمود: يا محمد! ارفع راسك فاذا انا بانوار على و... و محمد بن الحسن الحجه يتلالا من بينهم (يتلالا وجهه من بينهم) كانه كوكب درى. فقلت: يارب! من هذا؟ (من هؤلاء و من هذا) قال: يا محمد! هم الائمة من بعدك؛ المطهرون من صلبك و هذا الحجه الذى يملا الارض قسطا و عدلاً و یشفى صدور قوم مؤمنين. [۷۶]. ای محمد (صلى الله عليه وآله وسلم)! سرت را بالا بیاور. وقتى بالا را نگاه کردم، نور ائمه (عليهم السلام) را دیدم كه نور محمد بن الحسن، بين آنها نورافشانی مى كرد و صورتش مى درخشید، مثل ستاره درخشانی. پس عرض کردم: خدایا! اینها چه كسانی هستند و این نور چه كسى است؟ خطاب شد: اینها امامان بعد از تو، از صلب تو هستند، كه پاکنده؛ و این شخص كه مى درخشد، حجتى است كه زمین را پر از قسط و عدل مى كند و دلهاى مؤمنین را شفا مى دهد.

حضرت زهرا منصوره و امام زمان منصور است

الف) حضرت زهرا (عليها السلام) یاری شده است. در وصف حضرت فاطمه (عليها السلام) آمده است: كه او ميمونه منصوره محتسمة جميله جليله معظمه. [۷۷]. يكى از آیاتى كه به حضرت زهرا (عليها السلام) و حضرت مهدى (عج)، تأويل شده است آيه ۴ سوره روم است «...يومئذ يفرح المؤمنون؛ بنصرالله ينصر من يشاء و هو العزيز الرحيم» [۷۸]. امام صادق (عليه السلام) از قول پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) نقل مى كنند، كه حضرت جبرئيل (عليه السلام) سيب بهشتى را از طرف خداوند به رسم هديه براى پیامبر آورد و عرض كرد: بخور اين سيب را. سيب را دو نيم كرد؛ نورى ساطع شد. سؤال فرمودند: اين نور چيست؟ جبرئيل عرض كرد: فان ذلك النور، للمنصوره فى السماء و فى الارض فاطمه. قلت: حبيبي جبرئيل! ولم سميت فى السماء المنصوره و فى الارض فاطمه؟ (اين نور منصوره در آسمان و فاطمه در زمين است. به جبرئيل گفتم: حبيب من! چرا او را در آسمان منصوره مى گویند و در زمين فاطمه؟ گفت: سميت فى الارض فاطمه، لانها فطمت و شيعتها من النار و فطم اعدائها من جها. (او را در زمين فاطمه مى گویند؛ چرا كه او و شيعانش از آتش بازداشته شده اند و دشمنان او از دوست داشتن او باز داشته شده اند. در ادامه عرض داشت: و هى فى السماء المنصوره؛ و ذلك قوله عزوجل «و يومئذ يفرح المؤمنون بنصرالله» يعنى نصر الله لمحبيها. [۷۹] او را در آسمان منصوره خوانند؛ و اين همان گفتار خداوند است كه فرمود: «در چنين روزى مؤمنان به يارى خداوند - يارى خداوند به محبين آن حضرت - خوشحال مى شوند. آن حضرت؛ دوستان او در آن روز و روز ظهور امام زمان (عليه السلام) خوشحال مى شوند؛ امام صادق (عليه السلام) در پاسخ سؤال ابى بصير از آن حضرت پيرامون تفسير «الم؛ غلبت الروم» فرمود: ه م بنو اميه: آنها بنو اميه هستند...» و يومئذ يفرح المؤمنون بنصرالله» عند قيام القائم. [۸۰]. مؤمنان به يارى خداوند هنگام قيام حضرت مهدى (عج) خوشحال مى شوند، گفتمنى است، حتى مؤمنانى كه از دنيا رفته اند، به چنين قيامى خوشحال مى شوند؛ امام صادق (عليه السلام) فرمودند: «يومئذ يفرح المؤمنون بنصرالله» فى قبورهم، بقيام القائم (عليه السلام) [۸۱]. مؤمنان، در حالى كه در قبرهايشان هستند. به قيام حضرت مهدى (عج) خوشحال مى شوند. پس هر روزى كه روز نجات مؤمنان و پيروى آنها باشد و يارى خداوند شامل آنها بشود، روز فرح و خوشحالى مؤمنان خواهد بود. ب) حضرت مهدى (عج) منصور است. خداوند حضرت مهدى (عج) را منصور ناميده اند «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطانا فلا يسرف فى القتل انه كان منصوراً» [۸۲]. در روايات آيه شريفه به حضرت امام حسين (عليه السلام) و حضرت مهدى (عج) تأويل شده است. امام باقر (عليه السلام) فرمودند: «من قتل مظلوماً»، الحسين، كشته شده ي مظلوم، حسين (عليه السلام) است. انه كان منصوراً، سمى الله المهدى المنصور؛ كما سمى احمد و محمد و محمود و كما سمى عيسى المسيح. [۸۳]. حضرت مى فرماید: خداوند مهدى را منصور ناميده همان طور كه (پیامبر را) احمد و محمد و محمود نامید و چنانچه

عیسی (علیه السلام) را مسیح نامید. و در زیارت عاشورا می خوانیم: فاسئل الله الذی اکرم مقامک و اکرمی بک ان یرزقنی طلب تارک مع امام منصور من اهل بیت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم). [۸۴] از خداوند می خواهیم که به ما توفیق بدهد در کنار امام منصور (امام زمان «علیه السلام») خون خواهی حسین (علیه السلام) را بکنیم. همچنین امام باقر (علیه السلام) می فرماید: القائم منا منصورٌ بالرَّعب م وَّ یَدُّ بالنصر. [۸۵] قائم از ما، یاری شده است به وسیله ترس در دل دشمنان و تأیید شده به وسیله یاری او. و بالاخره در دعای ندبه می خوانیم: این المنصور علی من اعتدی علیه و افتری. [۸۶]. کجاست آن کسی که یاری شده است بر علیه کسی که نسبت به او تعدی کرده و افترا بسته.

حضرت زهرا صدیقه و حضرت مهدی صادق المقال است

الف) حضرت زهرا راست گفتار است: پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: سفارشهایی به دخترم فاطمه کرده ام و به او دستور دادم آنها را به تو بگویم؛ آنها را نافذ بدان. فهی الصادقه الصدوقه. او بسیار راست گفتار است. سپس حضرت زهرا (علیها السلام) را به سینه چسباند و سر او را بوسید و فرمود: فداک ابوک یا فاطمه. پدرت به فدای تو ای فاطمه [۸۷]. مفضل می گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: چه کسی فاطمه (علیها السلام) را غسل داد؟ فرمودند: حضرت علی (علیه السلام)... سپس حضرت فرمودند: گویا از این خبر ناراحت شدی! عرض کردم: بله قربانت شوم. حضرت فرمودند: دل گیر نشو: فانها صدیقه لم یکن یغسلها الا صدیق. اما علمت ان مریم لم یغسلها الا عیسی. [۸۸]. به درستی که او صدیقه بود، که جز صدیق نمی توانست او را غسل دهد. آیا نمی دانی مریم را (که صدیقه بود) جز عیسی غسل نداد. پیامبر به حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: به تو سه چیز داده شده که حتی به من هم داده نشد: یکی اینکه پدر همسر تو مثل من است و برای همسرت، صدیقه ای مثل دختر من به تو داده شده... [۸۹]. و گفتنی است که حتی مخالفین هم اعتراف می کنند که او صدیقه است. هنگامی که حضرت زهرا (علیها السلام) مطالبی را در خطبه فدکیه بیان فرمودند. اولی می گوید:... و انت یا خیره النساء وابنه خیر الانبیاء صادق فی قولک... ولا مصدوده عن صدقک... صدق الله و رسوله و صدقت ابنته. [۹۰]. تو ای بهترین زنان و دختر بهترین پیامبران، در گفتار صادق هستی... و چیزی نیست که تو را از صدقت باز دارد... خدا و رسولش راستگویند و دختر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) هم راستگوست. ب) حضرت مهدی (عج) راست گفتار است حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: یظهر صاحب الرايه المحمديه والدوله الاحمدیه، القائم بالسيف والحال، الصادق فی المقال؛ یمهد الارض و یحیی السنه والفرض. [۹۱]. صاحب پرچم محمدی (صلی الله علیه وآله وسلم) و بنیانگذار دولت احمدی (صلی الله علیه وآله وسلم) ظهور می کند؛ در حالی که شمشیر در دست دارد، راستگو در گفتار است، زمین را مهد زندگی سازد و احکام اسلام (اعم از سنت و فرض) را زنده گرداند.

حضرت زهرا صابره و حضرت مهدی صابر است

الف) حضرت زهرا (علیها السلام) صبر کننده است. در زیارت حضرت زهرا (علیها السلام) می خوانیم: یا ممتحنه امتحنک الله الذی خلقک قبل ان یخلقک؛ فوجدک لما امتحنک صابره... [۹۲]. ای امتحان شده ای که خداوند قبل از اینکه بیافریند تو را، امتحانت کرد؛ پس تو را صبر کننده دید نسبت به امتحانات... ب) حضرت مهدی (عج) صبر کننده است. در دعای زمان غیبت امام زمان (علیه السلام) می خوانیم: فانه الهادی... الصابر المجتهد الشکور... [۹۳]. در حدیث لوح است که: علیه کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب... [۹۴]. مؤید این مطلب آن است که یکی از فقها و مراجع بزرگوار نقل می کرد: یکی از اشخاص مورد اعتماد اخیراً در عالم رویا خدمت حضرت بقیه الله (عج) رسیده؛ نوشته ای را روی سینه مبارک آن حضرت دیده، که روی آن نوشته شده بود: انا صابر علی هذا الا مر ولكن اندبونی، اندبونی، اندبونی این امر، صبر می کنم؛ ولكن با سوز و ناله، بلند بلند بر من گریه کنید، بلند

بلند بر من گریه کنید، بلند بلند بر من گریه کنید. [۹۵].

حضرت زهرا معصومه و امام زمان معصوم است

الف) حضرت زهرا (س) معصومه است. عصمت حضرت زهرا (علیها السلام) از آیه تطهیر و روایات متعدد به خوبی استفاده می شود [۹۶] و در زیارت آن بزرگوار می خوانیم: السلام علیک ایها المعصومه المظلومه [۹۷] و می خوانیم: اللهم صل علی محمد و اهل بینه و صل علی البتول الطاهره الصدیقه المعصومه... [۹۸]. ب: حضرت مهدی (عج) معصوم است و در زیارت جامعه کبیره خطاب به تمامی امامان از جمله حضرت مهدی (عج) عرض می کنیم: و اشهد أنك م الائمہ الزاشدون المهديون المعصومون الم كرمون الم قزبون... [۹۹] شهادت می دهم که شما پیشوایان رشد یافته، هدایت شدگان، معصومان، بزرگواران و مقربان درگاه خداوند... هستید. دلایلی عصمت امامان شامل عصمت حضرت مهدی (عج) هم می شود

حضرت زهرا مظهر آیه نور و حضرت مهدی نور آل محمد است

الف) حضرت زهرا مظهر آیه نور است. برای آیه نور [۱۰۰] چند تأویل در روایات بیان شد. یکی از آنها حضرت زهرا (علیها السلام) را به عنوان مشکاه (محفظه چراغ، چراغدان) معرفی می کند. قال الصادق (علیه السلام) «الله نور السموات والارض مثل نوره کمشکاه المشکاه فاطمه (علیها السلام)، «فیها مصباح» المصباح، الحسن والحسین (علیهما السلام) «فی زجاجه الزجاجه کانهما کوب دری»، کأن فاطمه (علیها السلام) کوب دری بین نساء اهل الارض (اهل الدنيا)... [۱۰۱]. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «مشکاه» در آیه نور فاطمه (علیها السلام) است «در او مصباح است»، «المصباح» یعنی امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) در او وجود دارند، «کانهما کوب دری»، فاطمه همانند ستاره درخشان بین زنان اهل زمین (اهل دنیا) است. ب: حضرت مهدی (عج) نور آل محمد (علیهم السلام) است. سید بن طاووس می گوید: از مهمات بعد از نماز ظهر، آن است که همانند امام صادق (علیه السلام) برای حضرت مهدی (عج) دعا کنیم. راوی می گوید: بعد از تمام شدن دعای حضرت صادق (علیه السلام) عرض کردم: ایس قد دعوت لفسک جعلت فداک؟ آیا این چنین نیست که برای خودتان دعا کردید؟ حضرت فرمودند: دعوت ل نور آل محمد (علیهم السلام) و سائقهم و المنتقم بامر الله من اعدائهم... [۱۰۲]. (خیر) دعا کردم برای نور آل محمد (علیهم السلام) و پیش برنده ی آنها و انتقام گیرنده از دشمنانشان به دستور الهی.

حضرت زهرا و حضرت مهدی هر دو فریاد رس هستند

الف: حضرت زهرا فریاد رس است. علامه مجلسی روایت می کند، که اگر حاجتی داشتی و سینه ات به خاطر او تنگ گشته، دو رکعت نماز بخوان؛ بعد از سلام نماز، سه مرتبه تکبیر بگو و تسبیحات حضرت زهرا (علیها السلام) را بخوان؛ سپس به سجده برو و صد مرتبه بگو: یا مولاتی یا فاطمه اغیثینی؛ پس گونه راست را بر زمین بگذار و همین را صد مرتبه بگو؛ سپس به سجده برو و همین را صد مرتبه بگو؛ و بعد از آن گونه چپ را بر زمین بگذار و همین را صد مرتبه بگو؛ و سپس به سجده برو و صد و ده مرتبه بگو، و حاجت خود را یاد کن؛ به درستی که خداوند برآورده می کند ان شاء الله تعالی. [۱۰۳]. توجه: علامه مجلسی (ره) نماز استغاثه به حضرت زهرا (علیها السلام) را به گونه دیگری هم نقل می کند. [۱۰۴]. ب: حضرت مهدی (عج) فرجه الشریف) فریاد رس است. در زیارت آل یس (علیهم السلام) می خوانیم: السلام علیک ایها العلم المنصوب والعلم المصبوب والغوث والرحمه الواسعه. [۱۰۵]. سلام بر تو ای پرچم افراشته و دانش ریزان و فریاد رس و رحمت واسعه حق. مؤید مطلب اینکه، قطب الدین راوندی از ابوالوفای شیرازی نقل می کند، که در زندان ابن الیاس گرفتار شده بودم؛ تصمیم قتل مرا گرفته بود، که متوسل به امام سجاد

(علیه السلام) شدم. خواب بر من غلبه پیدا کرد؛ وجود مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را دیدم. دستوری عملی برای توسل به ائمه (علیهم السّلام) دادند. فرمودند: متوسل نشو به من و نه به دختر من و نه دو پسر من برای متاع دنیا؛ بلکه از برای آخرت متوسل شو و اما اخی ابوالحسن (علیه السلام)، فانه ینقم لک ممن ظلمک... و اما علی بن الحسین، فللنجاه من السلاطین و من معره (مفسده) الشیاطین و اما محمد بن علی و جعفر بن محمد، فللاخره و اما موسی بن جعفر (علیه السلام)، فالتمس به العافیه و اما علی بن موسی، فللنجاه من الاسفار فی البر و البحر و اما محمد بن علی، فاستنزل به الرزق من الله تعالی و اما علی بن محمد، فلقضاء النوافل و بالاخوان و اما الحسن بن علی، فللاخره و اما الحججه، فاذا بلغ منک السیف المذبح (و اوماً بیده الی الحلق) فاستغث به، فانه یغیثک و هو غیاث و کهف لمن استغاث به. برادرم حضرت علی (علیه السلام)، از ظلم کننده به تو انتقام می کشد و امام سجاد (علیه السلام)، برای نجات از سلاطین و از شرور شیاطین و امام باقر و امام صادق (علیهما السّلام)، برای آخرت و امام کاظم (علیه السّلام)، برای طلب عافیت و امام رضا (علیه السّلام)، برای نجات در سفرهای زمینی و دریایی و امام جواد (علیه السلام)، برای نزول رزق از خدا و امام هادی (علیه السّلام)، برای قضای نوافل و نیکی اخوان و امام عسکری (علیه السّلام)، برای آخرت و حضرت مهدی (عج) اگر شمشیر به محل ذبح تو (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) با دست خود به گلو اشاره فرمود) رسید، پناه ببر به او؛ به درستی که او به فریاد تو می رسد؛ چرا که او فریاد رس است و پناه است برای کسی که به او استغاثه کند. فقل: یا مولای یا صاحب الزمان! انا مستغیث بک. [۱۰۶]. پس بگو: ای سرورم! ای صاحب زمان! من به تو پناه آورده ام و از تو طلب فریادرسی می کنم. فقلت: یا مولای یا صاحب الزمان! انا مستغیث بک؛ فاذا انا بشخص قد نزل من السماء تحته فرس و بیده حربه من نور. فقلت: یا مولای! اکفنی شر من یؤ ذینی. فقال: قد کفیتک فانی سالت الله عزوجل فیک و قد استجاب دعوتی. پس من گفتم: یا مولای یا صاحب الزمان! به فریادم برس. ناگهان دیدم شخص اسب سواری از آسمان فرود آمد؛ در حالی که سلاحی از نور در دست داشت. عرض کردم: ای مولای من! شر کسی که مرا اذیت می کند، دفع کن. فرمود: شر او را از تو برطرف کردم؛ کار تو را انجام دادم؛ من درباره تو از خدا خواستم و خداوند دعای مرا اجابت کرد. فاصبحت؛ فاستدعانی ابن الیاس و حل قیدی خلع علیّ و قال: بمن استغثت؟ فقلت: استغثت بمن هو غیاث المستغیثین. [۱۰۷]. صبح که طلوع کرد، ابن الیاس مرا خواست و خودش زنجیر را باز کرد و مرا آزاد کرد و سؤال کرد: به چه کسی پناه بردی و از چه کسی کمک گرفتی؟ گفتم: به کسی که فریادرس طالبان فریادرسی هستند. در دعای فرج می گوئیم: اللهم عظم البلاء و برح الخفاء... یا مولای یا صاحب الزمان الغوث الغوث الغوث. [۱۰۸]. ای مولا- و آقای من! ای صاحب زمان! به فریاد رس، به فریاد رس، به فریاد رس. و در عریضه به خدمت حضرت بقیه الله (علیه السّلام) می نویسیم: کنت یا مولای صلوات الله علیک مستغیثا... فاغثنی یا مولای صلوات الله علیک. [۱۰۹]. توجه: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: و هو غیاث و کهف لمن استغاث به او فریادرس و پناه هر کسی است که به او پناه ببرد و فریادرسی بخواهد. فرمود فقط غیاث شیعیان و محبین است؛ بلکه غیاث هر کس است. چه بسیار کسانی که شیعه نبودند، اما وقتی به حضرتش استغاثه کردند، حضرت به فریاد آنها رسید. در این مورد قضایای بسیاری نقل شده که یکی از آنها را ذکر می کنیم: عالم فاضل ربانی میرزا حسین نوری نقل می کند که دانشمند بزرگوار شیخ علی رشتی، از شاگردان استاد اعظم میرزای شیرازی می گوید: در یکی از سفرها، که از زیارت امام حسین (علیه السلام) به سوی نجف اشرف از راه فرات باز می گشتم، در کشتی کوچکی که بین کربلا و طویرج بود، سوار شدم. مسافران که اهل حله بودند به بازیگری و مزاح مشغول شدند؛ جز یک نفر که هر چند با آنها هم غذا و همسفر بود و بر مذهب او خرده می گرفتند و او را سرزنش می کردند، با کمال متانت نشسته بود و هیچ شوخی نمی کرد. از این وضع در تعجب بودم؛ تا اینکه به جایی رسیدیم که آب کم بود و به ناچار پیاده شدیم. در کنار نهر که می رفتیم، از او پرسیدم: چرا از آنها کناره گیری می کنی و آنها بر مذهب تو خرده می گیرند؟ گفت: اینها از عامه و خویشاوند من هستند؛ پدرم نیز از ایشان است؛ ولی مادرم از اهل ایمان است. من نیز مذهب آنها را داشتم ولی به برکت حضرت مهدی (عج) شیعه شدم. از چگونگی شیعه شدن او سؤال کردم؟

جواب داد: اسم من یاقوت و شغل من روغن فروشی است. در یکی از سالها برای خریدن روغن از شهر حله بیرون رفتم، تا از صحرا نشینان روغن بخرم. تا آن مقدار که می خواستم خریدم و به اتفاق عده ای از اهالی حله بازگشتم و در یکی از منزلگاهها فرود آمدیم و خوابیدم. وقتی بیدار شدم، دیدم همه رفته اند و من در صحرای بی آب و علفی که درندگان زیادی هم داشت، تنها مانده ام. به راه افتادم؛ ولی راه را گم کردم و متحیر ماندم؛ از طرف دیگر از تشنگی و درندگان ترسان شدم. در آن حال به خلفا و مشایخ استغاثه کردم و از آنها کمک و شفاعت خواستم، تا خداوند برایم فرج کند؛ ولی نتیجه ای نداد. با خود گفتم: از مادرم شنیده ام که می گفت: ما امام زنده ای داریم که کنیه اش ابا صالح است؛ یرشد الضالّ و یغیث الملهوف و یعین الضعیف. به فریاد گم شدگان می رسد و درماندگان و ضعیفان را کمک و یاری می کند. با خداوند پیمان بستم، که به او استغاثه می کنم؛ اگر نجاتم داد، به مذهب مادرم در می آیم. پس او را صدا کردم و به او پناه بردم. ناگهان در کنار خود کسی را دیدم که عمامه سبزی بر سر داشت و همراه من راه می رفت. به من دستور داد که به مذهب مادرم در آیم و کلماتی فرمود؛ و به من فرمود به زودی به آبادی می رسی که آنجا همه شیعه هستند. گفتم: ای آقای من! شما با من به آن آبادی نمی آید؟ فرمودند: نه، لا نه استغاث بی الف نفس فی اطراف البلاد ارید ان اُغیثهم. چون هزار نفر در اطراف بلاد به من پناهنده شده اند؛ می خواهم آنان را خلاص کنم. یکباره از نظرم غایب شد. کمی راه رفتم و به آبادی رسیدم؛ در صورتی که مسافت زیادی تا آنجا بود، که همسفرهایم روز بعد به آنجا رسیدند. از آنجا به حله برگشتم و به نزد سیدالفقها سید مهدی قزوینی رفتم و جریان را به او گفتم. او احکام و مسائل دینی را به من آموخت. از او سؤال کردم: چه عملی انجام دهم که بار دیگر خدمت آن حضرت برسم؟ گفت: چهل شب جمعه به زیارت امام حسین (علیه السلام) برو. من هم شبهای جمعه به زیارت قبر آن حضرت می رفتم. در شب جمعه سی و نهم، وقتی به دروازه شهر کربلا رسیدم، مأمورین ظالم از مردم گذرنامه می خواستند و خیلی سخت می گرفتند. من هم که نه گذرنامه داشتم و نه قیمت آن را، چندبار خواستم به طور قاچاق از میان جمعیت وارد شوم؛ ولی نشد. در همین اثنا حضرت صاحب الامر (عج) را دیدم که داخل شهر است. به او استغاثه کردم و کمک خواستم. بیرون آمد و مرا همراه خود از دروازه داخل شهر کرد و کسی مرا ندید. وقتی وارد شهر شدیم، یکباره او را دیگر ندیدم و با حسرت و تأسف بر فراقش ماندم. [۱۱۰].

حضرت زهرا منتظر و حضرت مهدی هم منتظر و هم منتظر است

الف) حضرت زهرا منتظر است. در اواخر خطبه فدکیه [۱۱۱] حضرت زهرا (علیها السلام) می فرماید: «وَأَنْتَظِرُ وَإِنَّا مُنْتَظَرُونَ». [۱۱۲] در تفاسیر روایی، این آیه به ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، تأویل شده است که به برخی از آنها اشاره می شود. [۱۱۳]. - علی بن رئاب عن ابی عبدالله (علیه السلام) انه قال فی قول الله عزوجل: «یوم یأتی بعض آیات ربک لاینفع نفسا ایمانها لم تکن آمنت من قبل (او کسبت فی ایمانها خیرا قل انتظروا إِنَّا مُنْتَظَرُونَ)» [۱۱۴] قال: الایات الائمة والایه المنتظره، القائم (علیه السلام). [۱۱۵]. امام صادق (علیه السلام) پیرامون این آیه «روزی که بعضی از آیات پروردگار تحقق می پذیرد، ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده اند یا در ایمانشان عمل نیکی انجام نداده اند، سودی به حالشان نخواهد داشت. بگو: انتظار بکشید، ما هم انتظار می کشیم.» فرمودند: آیات، ائمه (علیهم السلام) هستند و آیه ای که انتظار او کشیده می شود، حضرت قائم (علیه السلام) است. - ابی بصیر می گوید: امام صادق (علیه السلام) در تفسیر همین آیه فرمودند: یعنی خروج القائم المنتظر منا... [۱۱۶]. انتظار قیام حضرت قائم، که او منتظر از ما اهل بیت هست. پس شما و ما منتظر منتظر (حضرت مهدی، علیه السلام) هستیم. - محمد بن فضیل می گوید: از امام رضا (علیه السلام) سؤال کردم از انتظار فرج فقال: او لیس تعلم ان انتظار الفرّج من الفرّج؛ ثم قال: ان الله تبارک و تعالی یقول: «وارتقبوا انی معکم رقیب». [۱۱۷]. حضرت فرمود: آیا نمی دانی انتظار فرج از فرج است (جزو فرج است)؛ سپس فرمود: خداوند می فرماید: «انتظار بکشید؛ من هم با شما منتظر هستم.» - تا آنجا آیه «فانتظروا انی معکم من المنتظرین»

مربوط به حضرت مهدی (علیه السلام) است که امام صادق (علیه السلام) برای اثبات اینکه آیه سوم سوره بقره در مورد حضرت مهدی (علیه السلام) است، به این آیه تمسک می کنند. یحیی بن قاسم می گوید: از امام صادق (علیه السلام) در مورد آیه «الم ذلك الكتاب لاریب فيه هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب» [۱۱۸] سؤال کردم فقال: المتقون، شیعه علی و الغیب هو الحجه القائم و شاهد ذلك قول الله عزوجل «و یقولون لولا- انزل علیه آیه من ربه فقل انما الغیب لله فانظروا انی معکم من المنتظرین». [۱۱۹] و [۱۲۰]. حضرت فرمودند: مراد از متقین در آیه، شیعه حضرت علی (علیه السلام) هستند و غیب حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است؛ شاهد بر این مدعا گفتار خداوند است که می فرماید: «می گویند: چرا معجزه ای از پروردگارش بر او نازل نمی شود! پس بگو: غیب تنها برای خدا (و به فرمان او) است؛ شما در انتظار باشید؛ من هم با شما در انتظارم. پس حضرت زهرا (علیها السلام) با تمسک به این آیه، منتظر ظهور حضرت مهدی (عج) می باشد. ای امید آخرین فاطمه ای نگار دلنشین فاطمه کی بگیری انتقام فاطمه پرنی عالم ز نام فاطمه فاطمه آن علت کل وجود منتظر باشد به آن روی کبود کی ز رویش رنگ نیلی می بری کی زدلها داغ سیلی می بری آوری کی بهر آن مادر دواکی دهی بشکسته پهلو را شفا مادرت غمدیده و دل بیقراری کشد بهر ظهورت انتظار قد کمان جوید تو را آن مام پاک گرچه جسم اطهرش غلتد بخاک عالم هستی فدای خال توفاطمه در کوچه ها دنبال تو [۱۲۱]. ب) حضرت مهدی (عج) هم منتظر است و هم منتظر. در ضمن بحث قبل، این معنا روشن شد. اما روایاتی هم داریم که آن حضرت را به این لقب معرفی کرده اند. امام جواد (علیه السلام) می فرماید: ان الامام بعدی ابنی علی... والامام بعده ابنه الحسن... ثم سکت. فقلت له: یا بن رسول الله! فمن الامام بعد الحسن؟ امام بعد از من، فرزندم علی (امام هادی «علیه السلام») است و امام بعد از او، پسرش حسن (علیه السلام) است؛ پس امام ساکت شد. عرض کرد: امام بعد از امام حسن عسکری (علیه السلام) کیست؟ فبکی (علیه السلام) بکاء شدیداً ثم قال ان من بعد الحسن ابنه القائم بالحق المنتظر. امام به شدت گریست و فرمود: بعد از حسن، فرزند او قائم به حق که منتظر است، می باشد. فقلت له: یا بن رسول الله: لم سمی القائم؟ قال: لانه یقوم بعد موت ذکره و ارتداد اکثر القائلین بامامته. عرض کردم: چرا به او قائم گویند؟ فرمود: زیرا او بعد از آنکه یادش از بین می رود و بیشتر قائلین به امامتش از اعتقاد خود باز می گردند، قیام می کند. فقلت له: و لم سمی المنتظر؟ قال: لان له غیبه یكثر ایامها و یطول أمدها؛ فینتظر خروجه المخلصون... [۱۲۲]. عرض کردم: چرا به او منتظر گویند؟ فرمود: زیرا برای او غیبت طولانی است؛ پس مؤمنین مخلص انتظار ظهورش را می کشند. البته کلمه «منتظر» را در این روایت، می شود بر وزن اسم فاعل (با کسره) هم خواند؛ اما به قرینه ذیل روایت (فینتظر...) حتماً باید بر وزن اسم مفعول (با فتحه) خواند. حضرت مهدی (عج) منتظر است: ابی بصیر می گوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که می فرماید: فی صاحب هذا الامر اربع سنن من اربعة انبیاء: سنه من موسی و... و اما من موسی فخائف یترب. [۱۲۳]. فرمود: در صاحب این امر چهار روش از چهار پیامبر وجود دارد: روشی از موسی (علیه السلام) و... و روش او از موسی این است که ترسان منتظر است. در دعا زمان غیبت می خوانیم و امرک ینتظر، منتظر دستور تو است. [۱۲۴].

حضرت زهرا نور اهل آسمان و حضرت مهدی نور اهل زمین است

الف) حضرت زهرا (س) نور اهل آسمان است در بخشی از یک حدیث طولانی و زیبا، پیامبر اکرم (ص) فرمود: ثم اظلمت المشارق و المغارب، فشکت الملائکه الی الله تعالی ان یکشف عنهم تلك الظلمه. فتکلم الله جل جلاله کلمه فخلق منها روحاً ثم تکلم بکلمه فخلق من تلك الکلمه نوراً، فأضاءت النور الی تلك الروح و اقامها مقام العرش فزهرت المشارق و المغارب فهی فاطمه الزهراء و لذلك سمیت الزهراء لان نورها زهرت به السماوات. [۱۲۵]. سپس ظلمت و تاریکی همه جا را فرا گرفت. ملائکه به خدا شکایت کردند: «خدایا! این تاریکی را از ما برطرف کن». پس خداوند، کلمه ای فرمود. از آن کلمه، روحی را خلق کرد. سپس کلمه ای فرمود. از آن کلمه هم، نوری خلق کرد. آن نور، روشنایی داد (و اضافه شد) به آن روح. خداوند، او را در جایگاه عرش جا داد.

پس همه جا روشن شد. آن، حضرت فاطمه زهرا (س) است. به همین دلیل، «فاطمه» را «زهرا» نامیدند؛ چون به واسطه نور او، آسمان ها روشن شد. حضرت مهدی (عج) نور اهل زمین است مفضل بن عمر می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: «ربّ الارض» در آیه (واشرق الارض بنور ربّها [۱۲۶])؛ یعنی امام الارض «مراد امام زمین است». پرسیدم: «وقتی حضرت خروج کند چه می شود؟» فرمود: «در آن روز، مردم، از نور خورشید و ماه، بی نیاز می شوند و به نور امام (ع) اکتفا می کنند. [۱۲۷]. مراد از «امام» در این روایت، یقیناً، حضرت مهدی (عج) است؛ زیرا اولاً: در خود روایت می گوید: «وقتی قیام کند، چه اتفاقی می افتد؟». ثانیاً، هیچ زمانی این گونه نبوده و فقط در زمان آن حضرت، مردم از نور خورشید و ماه بی نیاز می شوند. [۱۲۸]. دلیل این مطلب، روایتی است که باز خود مفضل بن عمر از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود: «اذا قائمنا قام، اشرق الارض بنور ربّها و استغنی العباد عن ضوء الشمس و ذهب الظلمه...» [۱۲۹]. وقتی قائم ما قیام کند، زمین، به نور پروردگارش روشن می شود و مردم، از نور خورشید بی نیاز می شوند و ظلمت به طور کلی از بین می رود.

حضرت زهرا خیره الاحرار و سیده النساء، مادر حضرت مهدی خیره الاماء و سیده الاماء است

جابر جعفی می گوید: از امام باقر (ع) شنیدم که فرمود: عمر بن خطاب به امیرالمؤمنین (ع) عرض کرد: «اسم مهدی (ع) چیست؟». حضرت فرمود: «رسول خدا (ص) از من تعهد گرفتند که نام او را بیان نکنم تا خداوند، به او، اجازه قیام بدهد». عمر گفت: «پس اوصاف او را بگو». حضرت فرمود: «او، جوانی است میانه، صورتش بسیار زیبا، با موهای زیبایی که بر شانه هایش می رسد و نور صورتش بر سیاهی محاسن و موهای سرش غلبه دارد». آن گاه حضرت فرمود: «پدرم فدای فرزند بهترین کنیزان». [۱۳۰]. عبدالرحیم قیصر می گوید: به امام باقر (ع) عرض کردم: «این جمله امیرمؤمنان (ع): با بی ابن خیره الاماء آیا منظور، فاطمه است؟» حضرت فرمود: «همانا فاطمه بهترین و برگزیده زنان آزاده است». [۱۳۱]. امام کاظم (ع) در ضمن بیان خصوصیات حضرت مهدی (عج) می فرماید: «ذلک ابن سیده الاماء الذی یخفی علی الناس ولادته...» [۱۳۲]؛ آن، فرزند سرور کنیزان است که تولدش بر مردم مخفی می ماند». امام صادق (ع) با معرفی حضرت مهدی (عج) می فرماید: هو الخامس من ولد ابنی موسی ذلک ابن سیده الاماء... [۱۳۳]. او، پنجمین امام پس از پسر موسی کاظم است. او، فرزند سرور کنیزان است. بنابراین چه گفتیم، حضرت زهرا (س) خیره الاحرار و حضرت نرجس خاتون (س) خیره الاماء و سیده الاماء است.

سخن گفتن حضرت زهرا و حضرت مهدی هر دو در شکم مادر

الف) حضرت زهرا (س) با مادر سخن می گوید: امام صادق (ع) می فرماید: «وقتی حضرت خدیجه (س) با پیامبر (ص) ازدواج کرد، زنان مکه از او کناره گیری کردند، (و او تنها شد) تا این که به حضرت زهرا (س) باردار شد. در آن زمان بود که فاطمه، با او سخن می گفت و از او می خواست که صبر کند. [۱۳۴]. ب) سخن گفتن حضرت مهدی (عج) در شکم مادر: حضرت حکیمه خاتون، وقتی قضیه شب تولد را نقل می کند، می گوید: امام عسکری (ع) فرمود: «سوره قدر را بر نرجس خاتون بخوان». شروع کردم به خواندن سوره قدر. پس آن طفل، در شکم نرجس خاتون، با من همراهی می کرد و می خواند آن چه من می خواندم و بر من سلامی کرد. من ترسیدم. امام، صدا زد: «ای عمه! از قدرت الهی تعجب نکن، که حق تعالی کودک را به حکمت گویا می گرداند و ما را در بزرگی، در زمین، حجت خود می گرداند». [۱۳۵].

حضرت زهرا و حضرت مهدی شفیع مؤمنان در قیامتند

الف) حضرت زهرا (س) شفیع روز قیامت است: روایات دلالت کننده بر مقام شفاعت زهرا (س) متعدد هستند. [۱۳۶] در این جا، به

برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. پیامبر اکرم (ص) فرمود: ای فاطمه! بشارت باد بر تو! نزد خداوند مقام محمودی داری. در آن مقام، برای دوستداران و شیعیان خودت، شفاعت می‌کنی و شفاعت تو پذیرفته می‌شود. [۱۳۷]. بلال بن حمامه می‌گوید: یک روز پیامبر اکرم (ص) بر ما وارد شد در حالی که نور صورتش مثل ماه درخشان بود و خوش حال بود. عبدالرحمان بن عوف عرض کرد: «ای رسول خدا! این نور چیست؟! فرمود: «از طرف خداوند، بشارتی در مورد برادرم و پسر عمویم (علی «ع» و دخترم آمد که به واسطه آن دو، مردان و زنان ائمه از آتش جهنم نجات پیدا می‌کنند». [۱۳۸]. امیرمؤمنان (ع) خطاب به امام حسن و امام حسین (ع) فرمود: «شما، پیشوا هستید و شفاعت برای مادر شماست». [۱۳۹]. ب. حضرت مهدی (عج) هم شفیع روز قیامت است: در حدیثی، امیر مؤمنان علی (ع) و جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا (ص) نقل می‌کنند که پیامبر (ص) مقامات ائمه (ع) را در روز قیامت بیان فرمود. مقام حضرت مهدی (عج) را این گونه بیان می‌فرماید: امام مهدی (عج)، شفیع مؤمنان در روز قیامت است؛ چرا که اذن شفاعت، از طرف خداوند داده نمی‌شود مگر به کسی که خداوند بخواهد و به آن راضی باشد. [۱۴۰].

مظلومیت حضرت زهرا و حضرت مهدی

الف) ستم دیدگی حضرت زهرا (س): در زیارت آن حضرت می‌خوانیم: «السلام علیک ایته‌المعصومه المظلومه [۱۴۱]؛ سلام بر تو ای پاک ستم‌دیده». و «اللهم صل... و صل علی البتول... المظلومه المقهوره». [۱۴۲]. امیر مؤمنان علی (ع) در ترسیم مظلومیت همسرش می‌فرماید: ان فاطمه بنت رسول الله (ص) لم تزل مظلومه، من حقها ممنوعه... [۱۴۳]. فاطمه، دختر پیامبر خدا (ص)، همواره ستم دیده بوده و از حق خود محروم شد. او (عج) ستم‌دیده است: امیر مؤمنان علی (ع) در ترسیم مظلومیت و غربت فرزندش مهدی (عج) می‌فرماید: «صاحب هذا الا مر الشریذ الطریذ الوحید؛ صاحب این امر، همان رانده شده دور شده یگانه و تنها است». [۱۴۴]. در حدیث دیگری حضرت علی (ع) تصریح می‌کند به این که او غریب است: سیأ تی الله بقوم یحبهم و یحبونهُ و یملاک من هو بینهم غریب... [۱۴۵]. خداوند، گروهی را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست می‌دارند و کسی که در میان آنان غریب است، بر آنان حکومت می‌کند. امام کاظم (ع) می‌فرماید: «هو الطریذ الوحید الغریب؛ او، همان رانده شده یکه و تنهای غریب است». [۱۴۶]. حضرت، به حدی مظلوم است که امام باقر (ع) می‌فرماید: «اگر او را می‌شناختند، او را تکه تکه می‌کردند». [۱۴۷]. همانند اذیت و آزارهایی که بر پیامبر (ص) پیش آمد، بر ایشان نیز وارد می‌آید و بلکه بیش تر. [۱۴۸]. باز در بیان مظلومیت ایشان چنین آمده است که وقتی بر منبر کوفه می‌نشیند و عهدنامه پیامبر (ص) را می‌خواند، تمام افراد از اطراف او می‌گریزند و تنها وزیر او و یازده نفر نقیب باقی می‌مانند؛ هر چند آنان باز می‌گردند. [۱۴۹]. آه از این مظلومیت! چه قدر این مظلومیت سوزناک و جان‌کاه است که: حضرت زهرا (س) خود و فرزندش را مظلوم معرفی می‌کند. مرحوم میرجهانی می‌گفت: در عالم رو یا، مادر مظلوم حضرت فاطمه صدیقه (س) را دیدم و ایشان سه بیت شعر فارسی خواند، وقتی بیدار شدم فقط یک بیت را به یاد داشتم و آن بیت این گونه است: دلی شکسته تر از من در آن زمانه نبود در این زمان دل فرزند من شکسته تر است [۱۵۰]. و بالاخره خود حضرت مهدی (عج) خود را مظلوم‌ترین فرد عالم معرفی می‌کند. حجه الاسلام حاج سید اسماعیل شرفی می‌گوید: به عتبات مقدسه مشرف شده بودم و در حرم مطهر حضرت سید الشهداء (ع) مشغول زیارت بودم. چون دعای زائرین در قسمت بالا- سر حرم مطهر امام حسین (ع) مستجاب است، در آن جا از خداوند خواستم مرا به محضر مبارک مولایم حضرت مهدی، ارواحنا فدا، مشرف گرداند و دیدگانم را به جمال بی‌مثال آن بزرگوار روشن کند. مشغول زیارت بودم که ناگهان خورشید جهان تاب جمالش ظاهر شد. گرچه در آن هنگام، حضرتش را نشناختم، ولی شدیداً مجذوب آن بزرگوار شدم. پس از سلام، از ایشان پرسیدم: «شما کیستید؟». آقا فرمود: «من، مظلوم‌ترین فرد عالم هستم». من، متوجه نشدم و با خود گفتم: «شاید ایشان از علمای بزرگ نجف هستند و چون مردم به ایشان گرایش پیدا نکرده اند، خود را مظلوم‌ترین فرد عالم می‌دانند». در این هنگام،

ناگهان متوجه شدم که کسی در کنارم نیست. این جا بود که فهمیدم، مظلوم ترین فرد عالم، کسی جز امام زمان، ارواحنا فدا، نیست و من نعمت حضور آن بزرگوار را زود از دست دادم. [۱۵۱]. بیاید با هم، این دو مظلوم را از مظلومیت بیرون بیاوریم.

علاقه پیامبر به حضرت زهرا و حضرت مهدی

علاقه و محبت رسول خدا (ص) به حضرت زهرا (س) را در این نوشتار نمی توان بیان کرد و فقط به ذکر چند روایت بسنده می کنیم: حضرت رسول اکرم (ص) در حدیثی، خطاب به امیرمؤمنان (ع) فرمود: سفارش هایی به دخترم فاطمه کردم و به او گفتم آن ها را به شما بگویم. آن ها را حتمی بدان؛ چرا که او شدیداً راستگو هست. سپس پیامبر (ص) او را به نزدیک خود خواند و سر او را بوسید و فرمود: «ای فاطمه! پدرت، فدای تو باد!» [۱۵۲]. در حدیث دیگر فرمود: «پدر و مادرم فدای تو باد!» [۱۵۳]. در زیارت حضرت زهرا (س) می خوانیم: «اللهم صلّ علی البتول... فاطمه بنت رسولک و بضعه لحمه و صمیم قلبه و فلذه کبده... و حبیبه المصطفی». [۱۵۴]. خدایا! درود فرست بر بتول فاطمه دختر رسول خودت و پاره تن او و سویدای دل او و پاره جگر او و محبوبه مصطفی. علاقۀ پیامبر (ص) به حضرت مهدی (عج) پیامبر (ص) با معرفی حضرت مهدی (عج) می فرماید: «بأبی و امی سمیّی و شبیهی و شبیه موسی بن عمران، علیه جُیُوبُ النُّورِ یَتَوَقَّدُ من شُعاعِ القُدسِ». [۱۵۵]. پدر و مادرم به فدای او باد! هم نام من است و شبیه من و حضرت موسی است. هاله ای از نور گرداگرد او را فرا گرفته. اشعه انوار قدسی از او ساطع است. ای گل محبوب خاتم، با خدا همراه و محرم با دلی سوزان ماتم، بهر مادر گشته پرغم سوزد از هجر تو عالم، ای گل زهرا کجایی؟ بیا ای زاده زهرا، تویی نور دل طه [۱۵۶]. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی دیگر می فرماید: طوبی لمن لقیه و طوبی لمن احبّه و طوبی لمن قال به. [۱۵۷]. خوشا به حال کسی که او را ملاقات کند، خوشا به حال کسی که او را دوست بدارد و خوشا به حال کسی که به او معتقد باشد! آن قدر او محبوب پیامبر (ص) است که در دعای عهد بعد از دعاهاى متعدد برای وجود مقدس او و برای فرجش، می خوانیم: «اللَّهُمَّ و سِرِّ نَبِیکَ مُحَمَّدًا بِرُوْیَتِهِ؛ خدایا! خوش حال کن پیامبرت محمد را به واسطه دیدار وجود مقدس حضرت مهدی». [۱۵۸]. عبدالله بن عمر نقل می کند: پیامبر (ص) فرمود: خداوند در شب معراج، به من فرمود: «چه کسی را در زمین بر امت ات جانشین کرده ای؟» عرض کردم: «برادرم را». فرمود: «علی ابن ابی طالب (ع) را؟» عرض کردم: «بلی». فرمود: «نظری بر زمین کردم، پس تو را انتخاب کردم... نظر دیگری کردم و علی (ع) را انتخاب کردم و او را وصی تو قرار دادم... ای محمد!، علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه را از یک نور خلق کردم. سپس ولایت آنان را بر ملائکه عرضه داشتم. هر کس آن را پذیرفت، از مقربان شد و هر کس آن را رد کرد، به کافران پیوست. ای محمد! اگر بنده ای، مرا چندان پرستش کند تا رشته حیاتش از هم بگسلد، ولی در حالی که منکر ولایت آنان است، با من رو به رو شود، او را در آتش دوزخ خواهم افکنند. ای محمد! آیا مایلی آنان را ببینی؟». عرض کردم: «بلی». فرمود: «قدمی پیش گذار!» من، قدمی جلو نهادم، ناگاه دیدم، علی ابن ابی طالب و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجت قائم را که در میان آنان، همانند ستاره ای درخشان (کوکب دری) بود. گفتم: «اینان چه کسانی اند؟» گفت: «اینان، امامان هستند و این ایستاده قائم)، کسی است که حلال مرا حلال می کند و حرام مرا حرام و از دشمنان من انتقام خواهد گرفت. ای محمد! او را دوست بدار؛ چرا که من او را دوست می دارم و هر کس او را دوست بدارد نیز دوست دارم. [۱۵۹].

عنایت هر دو به زائران حسین

الف) عنایت حضرت زهرا (س) به زائران حسین (ع): یکی از ویژگی های حضرت زهرا (س) این است که به زائران فرزند شهیدش امام حسین (ع) عنایت ویژه ای دارد. هنگامی که آنان به زیارت امام حسین (ع) می روند، حضرت زهرا (س) حاضر می شود و

برای آنان طلب آموزش و دعا می‌کند. روایات متعددی بر این مطلب دلالت می‌کند. برخی از آن‌ها به شرح زیر است: ۱. امام صادق (ع) می‌فرماید: ان فاطمه بنت محمد، تحضر لزوار قبر ابنها الحسين فتستغفر لهم ذنوبهم. [۱۶۰]. حضرت فاطمه (س) دختر گرامی حضرت محمد (ص) برای زوار قبر فرزندش حضرت حسین (ع) حاضر می‌شود، سپس برای گناهان آنان طلب آموزش می‌کند. ۲. امام صادق (ع) به معاویه بن وهب فرمود: زیارت حسین (ع) را ترک مکن! آیا دوست داری که خدا، تو را در زمره کسانی ببیند که حضرت رسول و علی و فاطمه و ائمه (ع) در حقشان دعا می‌کنند؟ [۱۶۱]. ۳. سلیمان اعمش می‌گوید: در کوفه، شب جمعه ای نزد شیخی بودم. به او گفتم: درباره زیارت امام حسین (ع) چه می‌گویی؟ گفت: «بدعت است و هر بدعتی، گمراهی است و هر صاحب گمراهی در آتش است». ناراحت شدم و رفتم. نیمه‌های شب آمدم، در خانه او را زدم. همسرش گفت: «او به زیارت امام حسین (ع) رفته است». سلیمان می‌گوید: من هم به طرف حرم امام حسین (ع) رفتم. وقتی داخل حرم شریف شدم، دیدم شیخ در حالی که به سجده افتاده، گریه و ناله می‌کند و از خداوند طلب مغفرت و توبه می‌کند. بعد از مدتی طولانی سرش را بلند کرد. گفت: «ای شیخ! دیروز آن جمله را گفتم، پس الان چه گونه به زیارتش آمدم؟» گفت: ای سلیمان! مرا سرزنش نکن! دیشب، در خواب... شتری از نور دیدم که کجاوه ای از نور، بر روی آن شتر بود و داخل آن دو خانم بودند. گفتم: «این دو خانم بزرگوار کی اند؟» گفت: «یکی، حضرت خدیجه (س) و دیگری حضرت سیده النساء فاطمه زهرا (س) است». گفتم: «این جمع به کجا می‌روند؟» گفت: «به زیارت حسین که در کربلا از روی ظلم شهید شد، می‌روند». به آن هودج نگاه کردم. دیدم اوراقی از آن به پایین می‌ریزد. پرسیدم: «این اوراق مکتوب چیست؟» گفت: «در این ورق‌ها نوشته شده هر کس در شب جمعه، به زیارت قبر حسین (ع) بیاید، از آتش جهنم ایمن خواهد بود». [۱۶۲]. گواه این قضیه، تشریف حاج علی بغدادی است که سؤالات بسیاری از امام زمان (عج) کرد. یکی از آن‌ها این بود: منبری‌ها جریان سلیمان اعمش را می‌گویند. آیا این حدیث صحیح است؟ فرمود: «آری، راست و صحیح است». گفتم: «سیدنا! صحیح است که می‌گویند: هر کس زیارت کند حسین (ع) را در شب جمعه، برای او امان است؟» فرمود: «آری، والله!» و اشک از چشمان مبارکش جاری شد و گریست. [۱۶۳]. ب) عنایت حضرت مهدی (عج) به زائران حسین (ع): قضایای زیادی بر این مطلب دلالت دارد. یکی از آن‌ها، قضیه معروف جعفر نعل بند است که مرحوم نهبانندی آورده است. [۱۶۴].

بیعت کسی بر آن دو بزرگوار نیست و از کسی تقیه نمی‌کنند

در مجله انتظار، شماره ۷ گفتیم، به بیست و پنج مورد از شباهت‌های این دو بزرگوار اشاره می‌کنیم، ولی به موارد دیگری برخورد کردیم. مواردی هم برادر ارجمند آقای لطیف زاده تحقیق کردند، از این روی برخی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم. بیعت، پیمانی است که به موجب آن نتوان با ستمگران به نبرد برخاست و از روی ناچاری و تقیه باید حکومت آنان را به رسمیت شناخت. همه پیشوایان معصوم، به مقتضای حکمت الهی دچار چنین پیمانی بودند، اما بعضی از معصومان چنین بیعتی بر گردن نداشتند. الف) بیعت و تقیه نکردن حضرت زهرا (س): دشمنان، پس از غصب خلافت، سعی کردند از همه مردم، به ویژه صحابه خاص پیامبر اکرم (ص) خاصه خاندان رسالت (حضرت علی و حضرت زهرا (ع)) برای خود بیعت بگیرند تا افکار عمومی را به خود جلب کنند، ولی حضرت زهرا (س)، همه مصیبت‌ها را تحمل کرد و تا زنده بود، با غاصبان حکومت بیعت نکرد، بلکه برای بازگرداندن خلافت به مسیر اصلی‌اش، مبارزه نمود و حتی مانع بیعت حضرت علی (ع) شد. [۱۶۵]. ب) نبودن بیعت احدی از ستمگران بر گردن حضرت مهدی (عج) و تقیه نکردن آن حضرت: پیشوایان معصوم ما، اگر با کسی پیمان می‌بستند، (گرچه از روی مصلحت و تقیه)، به آن پای بند بودند. بهترین گواه، این است که امام حسین (ع) تا زمانی که معاویه زنده بود، به خاطر احترام به صلح برادرش قیام نکرد. حضرت مهدی (عج) به دلیل این که برای ریشه کن کردن ستم و ستمگران آفریده شده است و اگر ظاهر و آشکار بود، سکوتش به

معنای رضا به ستمگری ستمگران و ترک نبرد با آنان بود (گرچه از روی تقیه) در پس پرده غیبت به سر می برد تا بیعت کسی بر گردش نباشد. همین، یکی از علل غیبت آن حضرت شمرده شده است. حضرت علی (ع) می فرماید: «...ان القائم منّا اذا قام لم یکن لاحد فی عنقه بیعه فلذلک تخفی ولادته و تغیب شخصه. [۱۶۶]. هنگامی که قائم ما قیام کند، بیعت احدی بر گردن او نخواهد بود. از این رو، ولادت او مخفی می شود و از دیده ها پنهان می شود. حضرت مهدی (عج) فرمود: «آنکه لم یکن لاحد من آبائی (ع) الا و قد وقعت فی عنقه بیعه لطاغیه زمانه و ائی اخرج حین اخرج و لایبعه لاحد من الطواغیت فی عنقی. [۱۶۷]. بر گردن همه پدرانم، بیعت سرکشان زمانه بود، امّا من وقتی خروج کنم، بیعت هیچ سرکشی بر گردنم نیست. در زمان آن حضرت تقیه ای در کار نیست: حضرت علی (ع) در تفسیر آیه شریفه (وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم... [۱۶۸] فرمود: در امن و امان مرا بپرستند، بدون هیچ ترس و واهمه ای و نیاز به تقیه احساس نکنند. این آیه، در حق قائم (عج) نازل شده است. منظور از «کسانی که ایمان آورده اند»، در این آیه، پیشوایان معصوم (ع) هستند. [۱۶۹].

دوری هر دو از ستمگران

الف) دوری حضرت زهرا (س): بعد از آن تلاشی که حضرت زهرا (س) برای هدایت مردم و برگرداندن ولایت به حضرت علی (ع) کرد، و مورد بی مهری و ستم قرار گرفت، از مردم فاصله گرفت و در خانه مشغول عزاداری و گریه بر فقدان پدر شد، امّا این بار هم مورد بی لطفی قرار گرفت و جمعی از بزرگان به حضور امیرالمؤمنین علی (ع) آمدند و عرض کردند: فاطمه (س) شب و روز گریه می کند. شب از گریه آن حضرت خواب نداریم و روز برای ما آرامش نیست تا بتوانیم به امور معاش خود پردازیم. ما از تو تقاضا می کنیم که به آن حضرت بگویی، یا شب گریه کند و روز آرام باشد و یا روز گریه کند و شب آرام باشد. حضرت علی (ع) نزد فاطمه (س) رفت و او را هم چنان گریان دید. کمی که آرام گرفت، به او فرمود: «از من تقاضا کردند که شما، یا شب گریه کنی یا روز». فاطمه (س) گفت: «من به زودی از میان آنان می روم. دست از گریه ام برنمی دارم تا به پدرم ملحق شوم». سپس حضرت علی (ع) برای فاطمه (س) سرپناهی به نام «بیت الاحزان» دورتر از خانه های مردم در قبرستان بقیع ساخت. فاطمه (س) هر روز صبح حسن و حسین (ع) را در پیش روی خود به سوی بقیع روانه می کرد و گریان به بیت الاحزان می رفت. وقتی که شب فرا می رسید، حضرت علی (ع) نزد او می آمد و همراه آن حضرت به خانه مراجعت می کرد. [۱۷۰]. امام صادق (ع) می فرماید: «هر روز از مدینه خارج می شد و کنار قبرهای شهیدان مشغول گریه بود». [۱۷۱]. وقتی زنان مدینه به عیادت حضرت فاطمه (س) آمدند و از احوال آن حضرت پرسیدند، حضرت فاطمه (س) پس از حمد خداوند و درود بر پدرش فرمود: «حالم چنین است که به خدا سوگند از دنیای شما بیزار و بر مردانتان خشمناکم». [۱۷۲]. در صحیح بخاری آمده، که وقتی حضرت زهرا (س) فدک را مطالبه کرد، ابوبکر خودداری کرد و چیزی را از فدک به او نداد. آن حضرت از ابوبکر ناراحت شد. پس از او کناره گیری کرد و با او سخنی نگفت تا از دنیا رفت. [۱۷۳]. ب) دوری حضرت مهدی (عج): حضرت مهدی (عج) از هنگام ولادت، از مردم و به ویژه ستمگران، مخفی بود. در آغاز ولادت، بعضی به صورت محدود می توانستند خدمت آن حضرت برسند. این محدودیت، در زمان غیبت صغری بیش تر شد و در زمان غیبت کبری به اوج خود رسید و از مردم دوری می فرمود. امام باقر (ع) می فرماید: «اذا غضب الله تبارک و تعالی علی خلقه، نخانا عن جوارهم. هنگامی که خدای تبارک و تعالی بر مردمان خشمگین شود، ما را از مجاورت آنان دور می سازد. [۱۷۴]. در روایات دیگر داریم، ولادت و رشد او مخفی است [۱۷۵]؛ پنهانی است، که انتظار می کشد. [۱۷۶] مردم امام خود را نمی بینند، او در موسم حج حاضر می شود و مردم را می بیند، اما مردم او را نمی بینند. [۱۷۷]. خود حضرت مهدی (عج) در توفیق شریف به شیخ مفید می فرماید: اگر چه ما در مکان دور دستی زندگی می کنیم، مکانی که از خانه های ستمگران به دور است، به جهت مصلحتی که خداوند برای ما و شیعیان ما دیده در این دوری، امّا ما از خبرهای شما آگاه هستیم....

[۱۷۸]. حضرت به علی بن ابراهیم بن مهزیار فرمود: پدرم امام عسکری (ع) با من پیمان بسته که در کنار گروهی که مورد غضب و نفرین خداوند قرار گرفتند، زندگی نکنم و به من دستور داده که تنها در کوه‌هایی که عبور از آن دشوار است و زمین‌های ویران، مسکن‌گزینم.... [۱۷۹].

آزادی از تعلقات دنیایی

دختر اشرف مخلوقات عالم، همسر برترین مردمان و سرور زنان دو عالم، در نهایت زهد و دوری از دنیا و حتی ابتدایی‌ترین نیازهای یک زندگی ساده و عادی می‌زیست. در زیارت آن حضرت می‌خوانیم: «حلیفه الورع و الزهد [۱۸۰]؛ بریده از دنیا و فانی در ذات احدیت بود». حسن بصری می‌گوید: «لم یکن فی الأمه ازهد و لا ا عبد من فاطمه؛ در امت پیامبر (ص) زاهدتر و عابدتر از زهرا (س) نبود». [۱۸۱]. حضرت مهدی (عج) نیز با اقتدا به مقتدای خویش، در نهایت زهد و سادگی زندگی می‌کند. حضرت صادق (ع) می‌فرماید: فوالله! ما لباسه إلا الغلیظ و لا طعامه إلا الجشب. [۱۸۲]. به خدا سوگند! لباس مهدی (عج) جز پوشاکی درشت و خوراک او جز غذایی سخت نیست.

بندگی خداوند

حضرت زهرا (س) به حدی خالصانه خداوند را عبادت می‌کرد که خداوند با او بر ملایکه مباهات می‌کرد و می‌فرمود: بنگرید به بهترین بنده من فاطمه! او در مقابل من ایستاده و از خوف من تمامی وجودش می‌لرزد و با تمامی حضور قلب، به عبادت من روی آورده است. [۱۸۳]. امام حسن (ع) می‌فرماید: مادرم، در شب‌های جمعه، در محراب به عبادت می‌ایستاد و مدام رکوع و سجده می‌کرد تا صبح طلوع می‌کرد. [۱۸۴]. حضرت، به قدری عبادت می‌کرد که قدم‌هایش ورم کرد. [۱۸۵]. حضرت مهدی (عج) هم به قدری عبادت خداوند را می‌کند که رنگ رخسار مبارکش متمایل به زرد است. امام کاظم (ع) می‌فرماید: «مهدی، بر اثر تهجد و شب‌زنده‌داری، رنگش به زردی متمایل می‌شود». [۱۸۶].

مبارزه با انحراف‌ها و بدعت‌ها

زهرا (س) فدای رسالت و ولایت شد تا دین بماند، بدعت‌ها و انحرافات از بین برود و تلاش‌های پدرش به ثمر برسد. درباره مبارزات آن بزرگوار با انحرافات، سخن فراوان است. خطبه فدکیه و خطبه‌های دیگر آن بانوی پهلو شکسته و مصیبت دیده، گویای مبارزه حضرت است. [۱۸۷]. حضرت مهدی (عج) هم با بدعت‌ها و انحرافات مبارزه می‌کند و فرایض الهی و سنن نبوی را احیا خواهد کرد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «بدعتی نمی‌ماند جز آن که از بین می‌برد و سنتی نمی‌ماند جز آن که بر پامی دارد». [۱۸۸]. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «هر چه از کتاب و سنت، متروک مانده، زنده خواهد کرد». [۱۸۹]. در دعای شریف ندبه می‌خوانیم: این المؤمن للاحیاء الکتاب و حدوده؟ این محیی معالم الدین و اهله؟ این المدخر لتجدید الفرائض و السنن؟ [۱۹۰]. کجا است آرزو کشیده برای زنده کردن قرآن و حدودش؟ کجا است زنده کننده آثار دین و اهل دین؟ کجا است آن ذخیره الهی برای تجدید واجبات و سنت‌های اسلام؟

غم خواری و توجه به امور مسلمانان به ویژه شیعیان

یکی از علت‌هایی که فاطمه (س) را به میدان آورد و آن همه مصایب و آزارها را تحمل کرد، هم و غم آن حضرت نسبت به امت پدرش و شیعیان شوهرش و مصایبی که دامن گیرشان خواهد شد بود. حضرت، همراه اشک‌ها و ناله‌هایش، در فراق محبوبش به

پدر بزرگوارش عرضه می دارد: یا بتاه! مَنْ لَلا- رامل و المساکین؟ و مَنْ لَلا مَهْ اِلی یوم الدین؟ [۱۹۱]. پدر جان! پس از تو، چه کسی به فریاد یتیمان و مساکین خواهد رسید؟ پدر جان! برای اُمّت، چه کسی پس از تو، تا قیامت خواهد بود؟ حضرت، تا بدان جا نسبت به امور اُمّت پدرش اهتمام می ورزد که شب تا صبح را پیوسته در رکوع و سجود و قیام و دعا می گذراند و همواره، مؤمنان را دعا می کند و از برای خود دعایی نمی کند. وقتی فرزند دل بندش حسن (ع) عَلت را جویا می شود؟، می فرماید: «الجار ثم الدار». [۱۹۲]. حضرت مهدی (عج) نیز غم خوار همگان، به ویژه شیعیان است و برای آنان دعا می کند. توقیعات و ملاقات های فراوان، بر این مطلب دلالت می کند. حضرت، در توقیعی می فرماید:... به من رسیده است که گروهی از شما، در دین، به تردید افتاده اید و در دل، نسبت به اولیای امر خود، دچار شک و حیرت شده اید! این، مایه غم و اندوه ما شد. به خاطر شما و نه به خاطر خودمان و درباره شما ناراحت شدم نه درباره خودمان... ما بر احوال شما آگاهیم و اوضاع شما بر ما پوشیده نیست. ما در رسیدگی و توجه به شما، کوتاهی نکرده ایم و یاد شما را از خاطر نبرده ایم. اگر جز این بود، مشکلات و گرفتاری ها بر شما روی می آورد و دشمنان شما را نابود می کردند. [۱۹۳].

ایثار و انفاق

از خود گذشتگی و انفاق حضرت زهرا (س) مطالب بسیاری دارد و بحث مستقلاً را می طلبد. گذرا، به برخی از آن ها اشاره می کنیم. هر کس از هر کجا ناامید می شد، به دَرِ خانه زهرا می آمد و با حاجتی روا شده برمی گشت. مکرّر، این انفاق می افتاد که پیامبر (ص) محرومان را دَرِ خانه او می فرستادند. حضرت پیراهن شب عروسی و گردن بند خویش را به نیازمندان بخشید. او حتی طعام و قرص نان و دست بند و گوشواره و حتّی پرده و فرش منزل خویش را به سائل داد. بخشندگی وی بدان مرحله می رسد که در کتاب خداوند ثبت می شود: «و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً». [۱۹۴]. حضرت مهدی (عج) فرزند مادری این چنین است. از این رو، پناه محرومان و درماندگان است. امام باقر (ع) فرمود: «مهدی، بخشنده ای است که مال را به وفور می بخشد و بر بینوایان بسیار رئوف و مهربان است». [۱۹۵].

تلاش

حضرت زهرا (س) از همان اوان کودکی، در راه دین مجاهده می کرد. هر زمان پیامبر را خطری تهدید و مصیبتی آزار می داد، زهرا (س) به میدان می آمد. پیامبر را از توطئه قتلش آگاه کرد. [۱۹۶] خاکستر از روی پدر سترد. در جنگ احد، آن گاه که دندان مبارک پیامبر (ص) شکست و پیشانی اش مجروح شد و سر و صورت حضرت، غرقه در خون گشت، او به مداوای پیامبر مشغول شد. حضرت، در راه ولایت آن قدر تلاش و مجاهدت کرد تا در این مسیر، جان عزیزش را فدا کرد. او شب ها به همراه علی (ع)، دست حسنین را می گرفت و به خانه مهاجران و انصار می رفت و آنان را به یاد بیعتشان در عقبه و غدیر می انداخت و فضایل علی را یادآورشان می شد. با این هدف والا که امام زمان شان را به آنان بشناساند و آنان را از مرگ جاهلیت برهاند و یاورانی برای امام زمان خویش فراهم کند. حضرت مهدی (عج) نیز برای تحقّق آرمان های والای پیامبر و در ادامه مسیر حرکت زهرا (س) همواره مشغول مجاهدت و سازندگی است. امام رضا (ع) می فرماید: «او، شتابنده به سوی نیکی ها و بزرگواری ها و تلاش گری سخت کوش است». [۱۹۷].

باورقی

[۱] برای اطلاع بیشتر، به کتابهای کمال الدین، منتخب الاثر، مَنْ هو المهدی (علیه السلام) و در انتظار ققنوس، مراجعه شود.

- [۲] روزگار رهایی، ج ۱، ص ۷۲؛ به نقل از البیان، ص ۶۳ و از عیون الاخبار، ج ۲، ص ۱۳۰ و چند منبع دیگر.
- [۳] روزگار رهایی ج ۱، ص ۷۷؛ به نقل از بیش از ده منبع.
- [۴] من هو المهدی (علیه السلام)، ص ۹۰، به نقل از سنن ابن ماجه، ج ۴، ص ۱۵۱ و بیش از بیست منبع دیگر عامه.
- [۵] من هو المهدی (علیه السلام)، ص ۹۰، به نقل از ده منبع عامه.
- [۶] در انتظار ققنوس، ص ۱۰۳، به نقل از عامه و خاصه.
- [۷] بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۲، ح ۲۲۴، به نقل از کفایه الاثر، ص ۲۶.
- [۸] ر.ک: به کمال الدین، ج ۱، باب ۲۷ و ۲۸؛ بحارالانوار ج ۳۶، ص ۱۹۳ و ۱۹۵.
- [۹] من هو المهدی (علیه السلام)، ص ۲۴.
- [۱۰] ر.ک: به منتخب الاثر، ص ۸۴، ح ۲ و بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۱۱۰، روایتی از کفایه الاثر از ابوذر نقل می کند، و بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۵۲، ح ۲۱ و عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۳۷۹، از سلمان فارسی، و بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۶۶، ح ۱۰۰ از سلمان فارسی (روایت زیبایی است)، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۷، ح ۱۴۶، از جابر بن عبدالله انصاری، و بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۲۸، ح ۱۸۴، از عمار، و کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۸۳، الباب التاسع.
- [۱۱] کشف الغمه، ج ۳، ص ۳، به نقل از اربعون حافظ ابونعیم احمد بن عبدالله و بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۹، به نقل از کشف الغمه.
- [۱۲] برای تحقیق بیشتر به کتاب کامل الزیارات، باب ۱۶، و بحارالانوار، ج ۴۳ و ج ۴۴، ص ۲۳۱ مراجعه شود.
- [۱۳] منتخب کامل الزیارات، ص ۳۹ و کامل الزیارات، باب ۱۶، ح ۸، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۳۴.
- [۱۴] منتخب کامل الزیارات، ص ۳۶ و کامل الزیارات، باب ۱۶ ح ۶ و بحارالانوار ج ۴۴، ص ۲۳۲ و بحارالانوار ج ۴۳، ص ۲۴۵، ح ۲۰.
- [۱۵] الغیبه الطوسی، ص ۱۷۳، در ضمن بعضی توفیقات و بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰ و احتجاج، چاپ اسوه، ج ۲، ص ۵۳۷، و المختار من کلمات الامام المهدی (عج) ج ۲، ص ۲۲۹.
- [۱۶] با توجه به آن نکاتی که در روایت هست: ۱- تقدیم ما حقه التاخر یفید الحصر، ۲- حضرت نمی فرماید مادرم بلکه می فرماید: فی ابنه رسول الله، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، در این اضافه نکاتی هست، تأمل شود.
- [۱۷] اشاره به آیه سوره ممتحنه.
- [۱۸] فاطمه، بهجه قلب المصطفی (ص)، به نقل از الغدير و او به نقل از چند منبع عامه.
- [۱۹] همان، ص ۱۸۵، به نقل از الغدير و او به نقل از چند منبع عامه.
- [۲۰] همان، ص ۲۱۴، به نقل از مناقب (برای تحقیق بیشتر به کتاب فاطمه بهجه قلب المصطفی (ص) رجوع شود.
- [۲۱] بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۳، ح ۵۸.
- [۲۲] تفسیر فرات، چاپ، داودی ص ۲۱۸ و چاپ، موسسه نشر، ص ۵۸۱.
- [۲۳] تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۴۸۷، ح ۲۴ - تفسیر فرات چاپ، موسسه نشر ص ۵۸۱ در پاورقی.
- [۲۴] دلیل آفتاب، ص ۱۸.
- [۲۵] فاطمه، بهجه قلب المصطفی، ص ۱۵۳ - ر.ک: به شرح فص حکمه عصمتیه فی کلمه فاطمیته، آیه الله حسن زاده آملی.
- [۲۶] دخان، ۴-۱.
- [۲۷] الکافی، کتاب الحججه، باب مولد ابی الحسن موسی بن جعفر (علیه السلام)، ح ۴.

- [۲۸] برای توضیح بیشتر به کتاب سوگند به نور شب تاب ، صفحه ۲۲ مراجعه شود که مطالب زیبایی آورده.
- [۲۹] فاطمه ، بهجه قلب المصطفی ، ص ۳۶۵ به نقل از بحارالانوار، ج ۸ ، ص ۱۰۹ الی ۱۱۲.
- [۳۰] نجم الثاقب، ص ۲۹ و ۴۲.
- [۳۱] بحارالانوار، ج ۱۰۲ ، ص ۲۴۶. مفاتیح الجنان، (استغاثه به حضرت حجه) «علیه السّلام».
- [۳۲] هود، ۸۶.
- [۳۳] روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۱۰ به نقل از بحارالانوار، ج ۵۲ ، ص ۳۷۳ و ح ۱۶۵ ، به نقل از منتخب الاثر، ص ۵۱۷.
- [۳۴] روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۶۰ به نقل از نه منبع.
- [۳۵] روزگار رهایی، ج ۱، ص ۴۸۵ به نقل از دوازده منبع - نجم الثاقب، ص ۴۰.
- [۳۶] روزگار رهایی، ج ، ص ۶۶۳ به نقل از الزام الناصب، ص ۵۷.
- [۳۷] فاطمه ، من المهد الی اللحد، ص ۱۱۶ ، به نقل از بحارالانوار.
- [۳۸] یس، ۵۲.
- [۳۹] فروع کافی، ط دارالاضواء، ج ۸ ، ص ، ح ۳۴۶.
- [۴۰] امراه العقول، ط دارالکتب، ج ۲۶ ، ص ۲۱۷.
- [۴۱] فاطمه ، من المهد الی اللحد، ص ۱۲۱ به نقل از ذخائر العقبی (طبری) و به نقل از نزهه المجالس (صفوری)، ص ۲۲۷.
- [۴۲] احزاب، ۳۷.
- [۴۳] ر.ک: به فاطمه، من المهد الی اللحد و فاطمه بهجه قلب المصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) تحت عنوان طاهره.
- [۴۴] روزگار رهایی، ج ۱، ص ۷۶ به نقل از بحارالانوار، ج ۵۲ ، ص ۳۱۰ و به نقل از اعلام الوری، ص ۳۸۱ و چند منبع دیگر.
- [۴۵] روزگار رهایی، ج ۲، ص ۷۰۶ به نقل از بحارالانوار، ج ۵۲ ، ص و بشاره الاسلام، ص ۲۳.
- [۴۶] کمال الدین، چاپ جامعه مدرسین، ج ۲، ص ۵۱۳ و مفاتیح، دعا در غیبت امام زمان (علیه السّلام).
- [۴۷] لسان العرب، ماده برک.
- [۴۸] تفسیر کبیر، ج ۳۲ ، ص ۱۲۴.
- [۴۹] المیزان، ج ۲۰ ، ذیل سوره کوثر.
- [۵۰] برای توضیح بیشتر، به کتب تفسیری، و کتاب فاطمه، من المهد الی اللحد، و فاطمه، بهجه قلب المصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) رجوع شود.
- [۵۱] در شباهت سوم، گذشت.
- [۵۲] روزگار رهایی، ج ۲، ص ۹۵۰ ، به نقل از الملاح والفتن، ص ۱۰۸.
- [۵۳] فاطمه (علیها السّلام)، من المهد الی اللحد، ص ۱۰۵.
- [۵۴] جنه العاصمه، ص ۵۷.
- [۵۵] روزگار رهایی، ج ۲، ص ۱۰۸۸ ، به نقل از غیبت طوسی، ص ۲۶۹ و منابع دیگر.
- [۵۶] جمال الاسبوع، ط آفاق، ص ۳۰.
- [۵۷] مفاتیح الجنان، زیارت حضرت زهرا (علیها السّلام)، و اقبال سیدبن طاووس، عمل روز بیستم جمادی الاخره.
- [۵۸] همان.
- [۵۹] فاطمه ، من المهد الی اللحد، ص ۱۱۳ ، به نقل از بحارالانوار، ج ۴۳ ، ص ۷۹ و ۸۰ و ۱۹۵.

- [۶۰] به تعبیر استاد، این روایت از روایات صحیحه ائی است که حضرت امام (ره) به آن استناد می کردند و این هبوط جبرئیل را بر حضرت زهرا (علیها السلام) از بزرگترین فضایل می شمارد ر.ک: به کتاب چشمه در بستر، چاپ حضور، پاییز ۱۳۷۵، ص ۲۸۶.
- [۶۱] فاطمه، من المهد الی اللحد، ص ۱۱۱، به نقل از علل الشرایع.
- [۶۲] روزگار رهایی، ج ۱، ص ۷۴ به نقل از اصول کافی، ج ۱، ص ۵۳۴ و چهار منبع دیگر.
- [۶۳] همان، ص ۸۸ به نقل از کشف الغمه ج ۳، ص ۲۹۷.
- [۶۴] اصول کافی، باب ماجأ فی الاثنی عشر والنص علیهم، ح ۱۱.
- [۶۵] سوره قدر.
- [۶۶] تفسیر برهان، ذیل آیه، ح ۲۰ و ح ۲۳.
- [۶۷] تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۳۲.
- [۶۸] روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۳۲، به نقل از الزام الناصب، ص ۹.
- [۶۹] حلیه الابرار، ج ۲، ص ۶۰۰.
- [۷۰] قصص، ۷، واوحینا الی ام موسی ان ارضعیه.
- [۷۱] نحل، ۶۸، واوحی ربک الی النحل ان اتخذی من الجبال بیوتا.
- [۷۲] جنه العاصمه، ص ۶۰، به نقل از بحارالانوار و فاطمه، بهجه قلب المصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) کلمه زهرا.
- [۷۳] جنه العاصمه، ص ۷۲، به نقل از کتاب فضائل (شاذان بن جبرئیل قمی ره).
- [۷۴] تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۸ ذیل آیه نور - تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۶۹ به نقل از اصول کافی.
- [۷۵] کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۹.
- [۷۶] بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۲ - شبیه این روایت، در عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۴۷.
- [۷۷] جنه العاصمه، ص ۶۷.
- [۷۸] در آن روز، مؤمنان خوشحال می شوند به یاری خداوند، و او، هر کس را بخواهد، یاری می کند، و او صاحب قدرت و رحمت است.
- [۷۹] تفسیر البرهان، ج ۳، ص ۲۵۸، ح ۶، ذیل آیه کریمه، بحارالانوار، ج ۳، ص ۳ و ص ۱۸، ح ۱۷.
- [۸۰] همان، ح ۲.
- [۸۱] همان، ح ۵.
- [۸۲] اسرا، ۳۳ (کسی که مظلومانه کشته شود، ما برای ولی او، سلطه قرار دادیم. پس، اسراف در قتل نکند. به درستی که او منصور و یاری شده است).
- [۸۳] بحار، ج ۵۱، ص ۳۰ ر.ک: به تفسیرالبرهان و نورالثقلین و قمی و...
- [۸۴] مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا.
- [۸۵] روزگار رهایی، ج ۱، ص ۴۷۸، به نقل از کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۲۴، و ده منبع دیگر - کمال الدین، باب ۳۲، ح ۱۶.
- [۸۶] مفاتیح الجنان، دعای ندبه.
- [۸۷] فاطمه بهجه قلب المصطفی، ص ۱۹۸، به نقل از بحارالانوار، ج ۲، ص ۴۹۱.
- [۸۸] همان، به نقل از وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۷۱۴.
- [۸۹] همان، به نقل از ریاض المنضر، ج ۲، ص ۲۰۲.

- [۹۰] همان، ص ۸-۳۵۶ به نقل از بحارالانوار، ج ۴۳، خطبه فدکیه، و به نقل از احتجاج، خطبه فدکیه.
- [۹۱] روزگار رهایی، ج ۲، ۶۰۹، به نقل از الزام الناصب، ص ، و سه منبع دیگر.
- [۹۲] جمال الاسبوع، ط آفاق، ص ۹-۳۸. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت زهرا (علیها السلام).
- [۹۳] کمال الدین، ط جامعه مدرسين، ج ۲، ص . مفاتیح الجنان، دعای غیبت امام زمان (علیه السلام).
- [۹۴] کمال الدین، ب ۲۸، ذیل، ح ۱.
- [۹۵] مطلع الفجر، ص ۱۸۲، به نقل از راهی به سوی نور، ص ۱۸۰.
- [۹۶] ر.ک: به کتاب فاطمه ، بهجه قلب المصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم)، ص ۲۵۹.
- [۹۷] اقبال سیدبن طاووس عمل روز بیستم جمادی الاخره.
- [۹۸] همان، مفاتیح الجنان، زیارت دوم حضرت زهرا (علیها السلام).
- [۹۹] مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.
- [۱۰۰] سوره نور، ۳۵.
- [۱۰۱] تفسیر قمی ج ۲، ص ۷۸، ذیل آیه - تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ، ح ۱۶۹ به نقل از اصول کافی.
- [۱۰۲] فلاح السائل، ط دفتر تبلیغات، ص ۱۷۱ و ط دفتر تبلیغات با تحقیق، ص ۳۰۸.
- [۱۰۳] بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۵۴، ح ۱۳ - حاشیه مفاتیح الجنان، نماز استغاثه به حضرت زهرا (علیها السلام).
- [۱۰۴] بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۵۴، ح ۱۲.
- [۱۰۵] بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱، توفیق ۵، به نقل از احتجاج. مفاتیح الجنان. زیارت حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) معروف به زیارت ال یس (علیهم السلام).
- [۱۰۶] نقل دیگری هست که، پیامبراکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: بگو: یا صاحب الزمان، اغثنی، یا صاحب الزمان ادرکنی، (ای صاحب زمان به فریاد من برس، ای صاحب زمان مرا دریاب) پس در خواب فریاد زد: یا صاحب الزمان، اغثنی یا صاحب الزمان ادرکنی (نجم الثاقب، ط جمکران، باب ۹، قضیه اول، ص ۷۲۹).
- [۱۰۷] الدعوات ، راوندی، ص ۲-۱۹۱؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۴ و ج ۹۴، ص ۳۵ و نجم الثاقب، ط جمکران، باب ۹، قضیه اول، ص ۷۲۹.
- [۱۰۸] مفاتیح الجنان، دعای فرج حضرت حجه (علیه السلام).
- [۱۰۹] منتهی الامال، آخر فصل ششم.
- [۱۱۰] بحارالانوار، ج ۵۳، ص ، و مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۰۷، به نقل از جنه المأوی، ص ۲۹۲.
- [۱۱۱] بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۰۹ به نقل از احتجاج طبرسی، ط اسوه، ج ۱، ص ۲۵۳.
- [۱۱۲] انتظار بکشید، ما هم ، انتظار می کشیم - آیات به این مضمون، متعدد است، از جمله، انعام، ۱۵۸، یونس، ۲۰ و ۱۰۲ و هود، ۱۲۲.
- [۱۱۳] ر.ک: به تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۵۶۴، ح ۳، و ح ۴، و ج ۲، ص ۱۸۱، ح ۱، و ص ۲۳۲، ح ۴، و ح ۵، و ص ۲۰۵، و به تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۲۸، ح ۵۰، و ص ۱۵۹، ح ۶۲ - و به کمال الدین، ج ۲، باب ۵۵.
- [۱۱۴] انعام، ۱۵۸.
- [۱۱۵] تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۵۶۴، ح ۳.
- [۱۱۶] همان، ح ۴.

- [۱۱۷] تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۲۳۲، ح ۴.
- [۱۱۸] بقره، ۳ - ۱ - الم - آن کتابی که شک در آن راه ندارد، و مایه هدایت پرهیزکاران است، آنها، کسانی هستند که، به غیب ایمان می آورند.
- [۱۱۹] یونس، ۲۰.
- [۱۲۰] تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۱۸۱، ح ۱.
- [۱۲۱] نغمه های فاطمیه، ص ۱۷.
- [۱۲۲] کمال الدین، ج ۲، باب ۳۶، ح ۳؛ ر.ک: به غیبت نعمانی، ص ۴۱، ذیل آیه و رابطوای رابطوای امامکم المنتظر و ر.ک: به روزگار رهایی، ج ۱، ص ۹۸ و ۱۰۹ و ۲۷۶ و ۳۲۷ و ۵۰۰.
- [۱۲۳] کمال الدین، ج ۱، باب ۳۲، ح ۶، و ح ۱۱.
- [۱۲۴] مفاتیح الجنان، دعا در غیبت امام زمان (عج).
- [۱۲۵] بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۴۴؛ فاطمه الزهراء (س) بهجه قلب المصطفی (ص)، ص ۱۷۷.
- [۱۲۶] زممر/ ۶۹. (زمین در آن روز) به نور پروردگارش روشن می شود).
- [۱۲۷] تفسیر نورالثقلین، ذیل آیه، ح ۱۲۱. (محدث نوری (ره) چند روایت از تفسیر علی بن ابراهیم و ارشاد مفید و غیبت طوسی و کمال الدین صدوق و کفایه الاثر شیخ خزاز و غیبت فضل بن شاذان نقل می کند و می گوید به قرینه حدیث اول، معلوم می شود مراد، نور ظاهری است و گرنه ممکن است گفته شود مراد نور معنوی است که نور علم و حکمت و عدل باشد؛ نجم الثاقب، جمکران، خصلت بیست و نهم، ص ۱۶۸).
- [۱۲۸] البته ممکن است این روایت، یک تفسیر باطنی هم داشته باشد که تمام ظلمت ها می رود حتی ظلمت های نورانی یا پیشرفت های علمی می شود که به نور خورشید و ماه نیاز نباشد. (باید تأمل کرد).
- [۱۲۹] شیخ طوسی، الغیبه، ح ۴۸۴، ص ۴۶۷؛ المحجه فیما نزل فی القائم (عج)، ذیل آیه، ص ۷۴۸؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ذیل آیه، ح ۱۲۲.
- [۱۳۰] همان، موسسه معارف اسلامی، ح ۴۸۷، ص ۴۷۰؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۳؛ عزیز آل یاسین (ع)، ص ۴۸ (به نقل از مهدی منتظر در نهج البلاغه، ص ۱۱۴).
- [۱۳۱] نعمانی، الغیبه، عربی، ص ۱۵۱، و نشر صدوق، ص ۳۲۳.
- [۱۳۲] منتخب الاثر، باب، انه ابن سید الاماء، (به نقل از کفایه الاثر و کمال الدین).
- [۱۳۳] همان، باب انه ابن سید الاماء، (به نقل از کمال الدین) ر.ک: معجم احادیث الامام المهدی (عج)، ج ۳، ح ۶۹۱، ص ۱۶۵.
- [۱۳۴] امالی صدوق، مجلس ۸۷، ح ۹۴۷/۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۵. فاطمه الزهراء (س) بهجه قلب المصطفی (ص)، ص ۱۲۹ به نقل از عامه و خاصه.
- [۱۳۵] کمال الدین، ب ۴۲، ح ۲؛ نجم الثاقب، ط جمکران، باب اول، ص ۳۹؛ اثبات الوصیه، ص ۲۴۹؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ذیل سوره قدر، ح ۱۹، ص ۶۱۶.
- [۱۳۶] ر.ک: به بحار الانوار، ج ۴۳، صص ۶۲، ۶۴ و ۲۲۵ و ج ۸، ص ۵۳.
- [۱۳۷] فاطمه الزهراء (س) بهجه قلب المصطفی (ص)، ص ۷۴۳ (به نقل از کنزالفوائد، ح ۱، ص ۱۵۰).
- [۱۳۸] مقتل خوارزمی، چاپ انوار الهدی، ج ۱، ح ۲۵، ص ۱۰۱.
- [۱۳۹] فاطمه الزهراء (س) بهجه قلب المصطفی (ص)، ص ۱۰ (به نقل از کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۰۶).

[۱۴۰] مناقب ابن شهر آشوب، چاپ دارالاضواء، ج ۱، ص ۳۵۵.

[۱۴۱] سید بن طاووس، اقبال، عمل روز بیستم جمادی الاخر؛ در مفاتیح الجنان: «السلام عليك ايتها المظلومه المغصوبه».

[۱۴۲] همان، عمل روز بیستم جمادی الاخر؛ مفاتیح الجنان، زیارت دوم حضرت زهرا (س).

[۱۴۳] شیخ طوسی، امالی، ص ۱۵۶، ضمن ح ۲۵۸.

[۱۴۴] معجم احادیث الامام مهدی (عج)، ج ۳، ح ۵۹۵، ص ۴۳.

[۱۴۵] روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۰۸ (به نقل از ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۳۱).

[۱۴۶] کمال الدین، باب ۳۴.

[۱۴۷] معجم احادیث الامام مهدی (عج)، ج ۳، ح ۷۵۲، ص ۲۲۹.

[۱۴۸] همان، ج ۳، ح ۸۳۳، ص ۲۹۷، و ح ۱۰۷۲، ص ۵۰۰.

[۱۴۹] همان، ج ۴، ح ۱۰۹۸، ص ۲۰؛ و کمال الدین، باب ۵۸، ح ۲۵.

[۱۵۰] عنایات حضرت مهدی (عج) به علما و طلاب، ص ۱۷۶، (پاورقی).

[۱۵۱] همان (به نقل از: شیفتگان حضرت مهدی (عج)، ج ۳، ص ۱۶۰).

[۱۵۲] فاطمه الزهراء (س) بهجه قلب المصطفی (ص)، ص ۱۹۸، (به نقل از بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۹۱).

[۱۵۳] همان، ح ۶، ص ۱۰۹ (به نقل از احقاق الحق، ح ۱۰، ص ۱۸۵) و ر.ک: بحار الانوار، ج ۳۶، ح ۱۱۰، ص ۲۸۸.

[۱۵۴] مفاتیح الجنان، زیارت حضرت فاطمه زهرا (س)، مقتل خوارزمی، ج ۱، ح ۲۱، ص ۹۹.

[۱۵۵] چهل حدیث پیرامون نور یزدان، ص ۱۴ (به نقل از: کفایه الاثر، ص ۱۵۹).

[۱۵۶] نغمه های فاطمیه (س)، ص ۲۴.

[۱۵۷] با دعای ندبه در پگاه جمعه، ص ۱۶ (به نقل از عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۴۷؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۸).

[۱۵۸] مفاتیح الجنان، دعای عهد.

[۱۵۹] مکیال المکارم (فارسی) ج ۲، ص ۲۱۸ و (عربی) ج ۲، ص ۱۶۰ (به نقل از کتاب غایه المرام، سید محدث بحرانی (ره) ص

۱۸۹ باب ۲۳ ح ۱۰۵؛ به نقل از غیبت نعمانی، نشر صدوق، ح ۲۴، ص ۱۳۳).

[۱۶۰] کامل الزیارات، پیام حق، ۱۳۷۷، باب ۴۰، ح ۴، ص ۳۸۶.

[۱۶۱] همان، پیام حق، ۱۳۷۷، باب ۴۰، ح ۴، ص ۳۸۶؛ مفاتیح الجنان، فصل هفتم، مقصد اول (به نقل از ابن قولویه و کلینی و سید

بن طاووس و دیگران).

[۱۶۲] بحار الانوار، ج ۴۵، ح ۱۲، ص ۴۰۱؛ النجم الثاقب، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰، چاپ چهارم، ص ۴۹۵.

[۱۶۳] النجم الثاقب، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰، چاپ چهارم، ص ۴۸۹؛ مفاتیح الجنان، تشریف حاج علی بغدادی.

[۱۶۴] ر.ک: خلاصه العبقری الحسان، ص ۳۴؛ العبقری الحسان، ج ۲، ص ۸۰.

[۱۶۵] ر.ک: صحیح بخاری، دارالکتب العلمیه، ج ۳، باب ۴۰، باب غزوه خیبر، ح ۴۲۴۰ و ۴۲۴۱، ص ۸۰.

[۱۶۶] کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۶، ح ۱۴؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹.

[۱۶۷] همان، ج ۲، باب ۴۵، توقع ۴.

[۱۶۸] نور: ۵۵.

[۱۶۹] روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۰۷.

[۱۷۰] ر.ک: چشمه در بستر، ص ۲۵۵؛ فرهنگ فاطمیه، ص ۱۴۰ (به نقل از بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۷).

- [۱۷۱] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۵.
- [۱۷۲] ر.ک: چشمه در بستر، ص ۴۳۴ و بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۸؛ عوالم العلوم، ج ۱۱، قسمت دوم، ص ۸۱۴؛ اعلام النساء، ج ۴، ص ۱۲۸.
- [۱۷۳] صحیح بخاری، دارالکتب العلمیه، باب غزوه خیبر، ح ۴۲۴۰ و ۴۲۴۱، ص ۸۰.
- [۱۷۴] روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۹۱، (به نقل از کافی، ج ۱، باب فی الغیبه، ح ۳۱ و به نقل از بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۰).
- [۱۷۵] کافی، ج ۱، باب فی الغیبه، ح ۲۵.
- [۱۷۶] همان، ح ۱۳ و ۳۰.
- [۱۷۷] همان، ح ۱۲؛ الغیبه نعمانی، ح ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶، ص ۲۵۱.
- [۱۷۸] احتجاج، دارالاسوه، ج ۲، ص ۵۹۷.
- [۱۷۹] طوسی، الغیبه، معارف اسلامی، ص ۲۶۶.
- [۱۸۰] مفاتیح الجنان، زیارت حضرت زهرا.
- [۱۸۱] خوارزمی، مناقب، ج ۳، ص ۱۴۱.
- [۱۸۲] الغیبه، نعمانی، ص ۲۲۲؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۵۴.
- [۱۸۳] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۲.
- [۱۸۴] همان، ص ۸۱ و ۸۲.
- [۱۸۵] همان، ج ۴۳، صص ۷۶ و ۸۴.
- [۱۸۶] همان، ج ۸۶، ص ۸۱.
- [۱۸۷] ر.ک: چشمه در بستر، صص ۳۵۵ و ۴۳۴.
- [۱۸۸] ینابیع الموده، ج ۳، ص ۶۲؛ الزام الناصب، ص ۲۲۳.
- [۱۸۹] نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۳۸.
- [۱۹۰] مفاتیح الجنان، دعای شریف ندبه.
- [۱۹۱] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۶.
- [۱۹۲] همان، ج ۴۳، ص ۸۱.
- [۱۹۳] احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷؛ ر.ک: امام زمان (عج) و سید بن طاووس، ص ۱۷۵، دعای حضرت مهدی (عج) برای شیعیان.
- [۱۹۴] دهر: ۲۱.
- [۱۹۵] روزگار رهایی، ج ۲، ص ۵۹۸.
- [۱۹۶] بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۶۰.
- [۱۹۷] جمال الاسبوع، ص ۳۱۰؛ صحیفه مهدویه، ص ۲۹۰.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید

بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

